خوب خواندن کتاب بُلند - قرآن کریم.

صرف با چهار فصل کوتاه.

تجوید چهار

(سخنی در باب تجوید)

شهر عروس – ثور ۱۳۹۷

اهدأ:
اثر حاضر - به استقبال ماه مبارک رمضان تهیه – و به والدین ام، تقدیم است.

<u>پیش سخن</u>

با اظهار تشکر از خداوند اول و آخر؛ که جمعآوری این اثر را میسر ساخت، و درود بر آنحضرت «ص»!

شما که علاقمند فراگیری خوب خواندن قرآن کریم هستید (منجمله دست اندرکاران علوم ساینسی):

علم و فن تجوید، منحیث وسیله خوبی در خوانش احسن قرآن کریم – همیشه قابل توجه بوده - که به نسبت تلاش بزرگترین علمای جهان اسلام در این عرصه، از غنامندی ویژه برخوردار شده است.

در این نوشته، کوشش شده تا درسهای تجوید - در چهار فصل *(که نام این نوشته: تجوید چهار، نیز دلالت به آن میکند.)*: <u>حروف و صفات آن</u>، <u>احکام حروف</u>، <u>توقف</u> و <u>مد</u> (کشیده خواندن صدا ی بعضی حروف)، - بصورت خلاصه مورد مطالعه قرار گیرد؛ که مفاد آن موجودیت امکان مقایسه و صرفه جویی وقت، به نسبت جادادن توضیحات اضافی در خود متن با تغییر رنگ خط (کَلَر-کودِنگ) و یا در پاورقی ها، اشاره نمود.

بر علاوه، در آخر هر بحث، **<u>نکات کلیدی</u>** بشکل سوال، مطرح شده، که هدف آن جلب توجه و پیشرفت زود، در آموزش مسائل مهمتر، بوده؛ و جای مناسب شروع مطالعه، به <u>نوکاران</u>، و ردیابی آن توسط استفاده از فهرست، میباشد. جواب درست سوالات مذکور را میتوان در ضمیمه ی ۴ در آخر کتاب، دریافت نمود.

در اخیر، خواهش است تا جهت معلومات مزید و تصحیح اشتباهات ممکنه – به منابع معتبر و مربوط، مراجعه شود.

با عرض ادب
داکتر طب زُ. محسنی

فهرست مطالب



(از آثاری خطی مؤلف)

بنام خداوند عالمیان

عمومیات

۱ـ در مورد قرآن کریم

قرآن **در لغت** به معنی «جمع نمودن، قرائت و خواندن» آمده و اسم خاص کتاب خدا «ج» ـ که گردآورنده ای دستاوردهای کتب آسمانی گذشته و آخرین آن نظر به آیه: وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا (سوره انعام- ۱۱۵) (یعنی: و سخن پروردگارت درحال راستی و عدالت، تمام شد؛) است، میباشد.

قرآن به صورت وحی از سوی خدا«ج» توسط فرشته ی وحی ـ جبرئیل«ع» به زبان عربی از لوح محفوظ بر قلب و زبان رسول خدا«ج» محـمد ـ صلّى الله علیه و آله وسلم ـ هم اجمالاً به یکباره گی؛ و هم تفصیلاً در طول بیست و سه سال نازل شده، که بزرگترین معجزهٔ آنحضرت و روشن ترین دلیل بر پیامبری او میباشد.

قرآن بشکل آیه[1] و سورة[2] نازل؛ و جهت سهولت تلاوت روزمره، آنرا به ۳۰ جز[3] و هر جزء را بدو قسمت مساوی: حزب[4]– و چندین رکوع[5] – و گروپهای آیات پنجتایی و ده تایی[6] – نشانی و تقسیم نموده اند.

---

[1] *تعداد آیات: حدود ۶۶۶۶ آیه که بنسبت تفاوت در روش شمارش مثل حساب نمودن- «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بمثابه ی آیه مستقل یاعدم آن، تفاوتی اندکی در زمینه دیده میشود؛ تعداد کلمات: ۷۷۷۰۱ که حدود ۱۰ هزار کلمه آن غیر تکراری و ۱۲۶۰ کلمه آن به عنوان ریشه ده تا هشتاد درصد، کلمات دیگر شناخته شده؛ و تعداد حروف: ۳۲۳۶۷۱ .*

[2] *تعداد سوره ها: ۱۱۴ (سوره در لغت به معنای «بُریده شده» و در اصطلاح واحد دربرگیرندهٔ گروهی مستقل از آیات قرآن، که با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» به استثنای سوره توبه (در حالیکه در سوره نمل «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ۲ بار آمده) آغاز شده؛*
بسم الله...، آیه مستقل حساب شده و برای هر سوره بصورت جداگانه نازل، و خواندن آن در اول هر سوره لازم است. روش خواندن بسم الله به قطع و وصل با سوره ای ما قبل یا مابعد آن، به چهار شیوه است (۱. وصل با آخر سوره قبل و شروع سوره بعدی، ۲. قطع از آخر سوره ما قبل و شروع سوره مابعد و خواندن آن بشکل مستقل، ۳. قطع از آخر سوره ماقبل و وصل آن با آیه اول سوره مابعد – و ۴. شکل ممنوع آن یعنی وصل آن صرف به آخر سوره ماقبل)؛ و بالآخره
گفتن لااله الا الله در آغاز یا پایان یازده سوره قرآن (۱. زلزال، ۲. قارعة ۳. عصر ۴. همزه ۵. فیل ۶. قریش ۷. ماعون ۸. کوثر ۹. لهب ۱۰. فلق ۱۱. ناس) – که بنام تهلیل یاد شده، و اجرأی آن بشکل: لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ وَ لِلّٰهِ الْحَمْدُ و سپس گفتن بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ...) است، قابل ذکر است.
نام سوره بیشتر از کلمه ای در خود سوره یا رویداد مربوط به آن، گرفته شده، و تعداد مضامین آن متحول است.
ترتیب سوره‌ها از جانب حق تعالی «ج» ـ طوریکه تکرار همه قرآن از جانب آنحضرت«ص» حضور جبرئیل «ع» در آخرین رمضان حیات مبارک اش ـ دال بر اینموضوع است، نیز صورت گرفته؛

سوره‌های قرآن بدو دستهٔ مکی (فروفرستاده شده در مکه) و مدنی (فروفرستاده شده در مدینه) تقسیم شده.
طولانی‌ترین سوره قرآن سوره بقره است که دربرگیرنده ۲۸۶ آیه بوده و کوتاه ترین آن سوره کوثر با ۳ آیه است.

[3] *که هریک حدود ۲۰ صفحه.*

[4] *برخی نیز هر جزء را به ۴ حزب تقسیم میکنند که در این صورت تعداد آن ۱۲۰ حزب میشود.*

[5] *حدودی۵۴۰ (و بروایتی الی ۱۰۰۰) – جهت تشخیص آیاتیکه مضمون مشابه دارند مثل موضوع خلقت آدم«ع» در آیات ۳۷ـ۳۰ سوره بقره؛ که در نماز های تراویح امکان خواندن یک رکوع بجای یک سوره قابل توجه است.*

در قسمت دقت در کتابت قرآن کریم، میتوان از خدمات زید بن ثابت با حدودی ۴۰ صحابه دیگر - و تصدیق دقت درج آن حین خواندن مکمل قرآن توسط پیامبر «ص» تحت نظر جبرئیل «ع» در موجودیت زید بن ثابت - در آخرین رمضان حیات مبارک اش، ذکر بعمل آورد.

قرآن در زمان حضرت عثمان «رض» خلیفهٔ سوم، تحت نظر جمعی از صحابه کرام به رهبری زید بن ثابت از یادداشت های قبلی به صورت یک کتاب (موسوم به مصحف عثمان) جمع و نسخه‌هایی از آن به مکه، دمشق، کوفه و بصره که مراکز مهم جهان اسلام بشمار میرفتند، فرستاده شد.

در قرن چهارم هجری، با اتکاء بر حدیثی از آنحضرت«ص»: که قرآن در هفت قرائت نازل شده - انواع قرائت، طوریکه خواندن هریک، به یکی از فقهای - بزرگ قرون اول و دوم هجری مقیم شهرهای مهم جهان اسلام - (۱. نافع ۲. ابن کثیر ۳. ابوعمرو ۴. عاصم ۵. حمزه ۶. کسائی ۷. ابن عامر) پیگیری شد - به رسمیت شناخته شد.

نسخه موجود قرآن کریم براساس قرائت حفص که در میان هفت قرائت مشهورجهان اسلام، از فصاحت و اعتبار ویژه‌ای برخوردار است – تهیه شده است.

سایر اسماء قرآن - حدود چهل بوده - *از جمله: کتاب، قرآن، فرقان، مبین، بیان، تبیان، برهان، عظیم، عزیز، کریم، صراط مستقیم، حکم، ذکر، موعظه، نور، روح، مبارک، نعمت، بصائر، رحمت، حق، فصل، هادی، شفا، هدی، تنزیل، مُهین، قیّوم، بشیر، نذیر، حدیث، نجوم، حبل، مثانی میتوان ذکر نمود.*

در خواندن قرآن کریم به **ترتیل**[7] تأکید خاص (آیه ۴ سوره مزمل) صورت گرفته؛ که فلسفه آن نگهداری و حفظ الفاظ قرآنی از تحریف و تبدیل میباشد.

در قرآن مجید چهارده آیه سجده داشته که بعد از شنیدن یا خواندن چهار آن، سجده واجب *(آیه ۱۵ سوره سجده، ۳۷ سوره فصلت، آخرین آیه سوره نجم و آخرین آیه سوره علق)* و بر ده آیه دیگر[8] سجده و یا سجده تلاوت[9]، مستحب است.

در درست بودن قول خداوند بزرگ«ج» در مورد حفظ کتابش *(قرآن کریم)* ازهر گونه تحریف، تذکر آیه - إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (یعنی: بی تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کرده ایم و قطعاً نگهبان آن

---

[6] *خُمس و عُشر - که بعضاً در حاشیه صفحات بچشم میخورند، که در بعضی از نسخه های قرآن به یایی معکوس نمایش داده شده.*

[7] *خواندن آن بطور منظم، شمرده و همراه با تدبر در معانی آیات (یا ادای کلمات به گونه‌ای که بر پیامبر اسلام «ص» نازل گردیده و مطابق قرائت قُرّائیکه سند قرائت آنان به حضرت محمد«ص» میرسد، است). **ترتیل** خود به سه نوع است که روش تلاوت خوانده میشوند: نظر به **مد**: هرگاه مدّها (متصل، منفصل و لازم) را به طول خواند، روش تحقیق؛ هرگاه مدّ منفصل را به مد (کمتر از طول) خواند، روش تدویر؛ و هرگاه مدّ منفصل را به قصر خواند، روش «حَدْر» خوانده میشود. ((**تحقیق:** اشباع مدها، تحقیق همزه ها، تمام ادا نمودن حرکات، اظهار کامل حروف و تشدیدها، آوردن غنّه ها، تفکیک حروف از یکدیگر و در نظر گرفتن محلّ وقف های مجاز.) (**حَدْر:** سریع خواندن قرآن و تخفیف قواعد آن؛ مانند کوتاه خواندن مدها و ساکن کردن حروف متحرک، اختلاس و ربودن مقداری از حرکت حروف، تخفیف همزه ها و خواندن آن به تسهیل و یا ابدال.))*

[8] *آخرین آیه سوره اعراف، ۴۸ سوره نحل، ۵۸ سوره مریم، ۱۵ سوره رعد، ۱۰۷ سوره اسراء، ۱۸ سوره حج، ۶۰ سوره فرقان، ۲۵ سوره نمل، ۲۴ سوره ص و ۲۱ سوره انشقاق.*

[9] *ترتیب ادای آن: در صورتیکه حین ادای نماز باشد فوراً سجده بجاآورده شده، و بعد از آن نماز دوباره اعاده میشود؛ و بیرون از نماز، بفرصت و بشکلیکه نیت - بدون بلند کردن دستها الی گوش، بسته شده و برای هر آیه مذکور یکبار سجده باتسبیحات آن، بجا آورده میشود.*

خواهیم بود *(سوره حجر، آیه ۹))* – *و وسیله آن که صدور تعدادی کثیری از حفاظ – ۱۶ میلیون در جهان امروز، که هریک با داشتن سند از مراجع معتبرجهان اسلام به آنکه بر پیامبر اسلام «ص» نازل گردیده؛ وصل میشوند*، بسنده است.

بصورت خلاصه مضامین قرآن کریم را به دو بخش عمده، تقسیم میکنند: مضمون همگانی *(۱. توحید)* و دیگری تاریخی[10].

قابل یادآوریست که در قسمت اخیر اغلب نسخه های موجود قرآن کریم – فهرست اجزا با نام سوره ها و صفحات آن تهیه شده – که در زودیابی مقصد، خواننده را کمک میکند.

قرآن کتاب هر-عصر[11] و زمان بوده – که همه باباوران آنرا بدون قید و شرط، پذیرفته. ولی عده ای ساینس را – علیرغم محدودیتهای[12] فاحش آن –بمثابه ای معیار - در زمینه، بگونه ای چالش مطرح میکنند – که این امر خود، در اغلب موارد، از نظریات ناباوران سرچشمه، میگیرد.

جالب توجه اینست که ساینس در کنار مفاهیم مطلوب دیگر، خود از قرآن سرچشمه گرفته، و یافته های آن در هرزمان، زمینه ای درک بهتر آیات مذکور را، فراهم، و ارتباط آنرا با موضوعات مربوط و داغ روز، روشنتر میسازد.

چطور؟

زیرا از صدها موارد گوناگون *میتوان بگونه مثال از امراض روانی*، *که در* ***جهان طبابت امروز*** *فاجعه، خوانده میشوند، و* ***شیوه های عصری تداوی آن****، به ارزش میلیونها دالر امریکایی– که نکته مشترک همه را– تمرکز به حالا و اکنون[13]، تشکیل میدهد* ***و یا از موضوع بازسازی[14] حجرات مصدوم دماغ و یا جلوگیری امراض مدهش چون سرطان، امراض قلبی وعایی، مرض شکر و امثال آن[15] بواسطه روزه*** *گرفتن -* ***نامبرد.***

---

[10] *که بنوبه خود شامل زیر-زمینه های دیگر مثل ۲. خلقت انسان بشکل فردی، ۳. انسان در اجتماع، ۴. طبیعت، ۵. پیامبران و وحی، ۶. دوزخ و بهشت، ۷. شر و شیطان، ۸. ظهور اجتماع اسلام - میشود.*

[11] بدون تبصره:
آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم - یار در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم (مولانا).
سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد - وآن چه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد (حافظ).

[12] *زیرا پیشرفت ساینس خود تابع زمان به نسبت امکانات، بوده – طوریکه با یک نظر اجمالی به گذشته به آسانی میتوان به این موضوع پیبرد، مثلاً وسعت ستاره شناسی قبل از کشف تلسکوپ یا عدم موجودیت تشخیص مرض نزد مریض قبل از تعریف آن به نسبت عدم موجودیت امکانات لازم در گذشته.*

[13] *طوریکه عکس قضیه نزد اغلب آنانیکه از تشوشات روانی* ***مخصوصاً*** *<u>پی-تی-اس-دی</u>* ***<u>(مراجعه: به ضمیمه ۱ صفحه ۲۸)</u>*** *رنج میبرند - مثل گیرماندن در تفکرات مربوط به گذشته، که نمیتوان تغییری در آن ایجاد کرد - ویا آینده های نامعلوم و تخیلی - با کمال ناآگاهی از عواقب به واقعیت پیوستن آنچه که آرزوی آن میرود - صادق است.*
<u>(یادداشت: در قرآن توجه خاص به حالا و اکنون، معطوف است (بررسی مقایسوی زمان - در آیات قرآن (مؤلف)).</u>

[14] *طوریکه روزه سبب تنبه بازسازی و تولید حجرات عصبی جدید در دماغ – بصورت مستقیم از طریق کاهش میزان گلوگوز در خون و بصورت غیر مستقیم با تولید اسید های شحمی ناشی از مصرف ذخایر شحم توسط جگر حین روزه، که اخیر الذکر در نسج دماغ به <u>فکتور-نیوروترفیک دماغ</u> تبدیل و در پروسه، بحیث نکته کلیدی سهیم میباشد، (پوهنتون جان هاپکینز/ انستیتوت ملی سالمندان، امریکا).*

[15] *ژورنال تغذی کلینکی – امریکا (AJCN).*

سوالات مبحث قرآن شناسی

سوال ۱ – مفاد ترتیب نوشته حاضر در چهار فصل: حروف و صفات آن، احکام وقف و مد، چیست؟

الف. هیچیز.
ب. آموزش و حفظ آسان موضوع.
ج. نمیدانم.
د. هیچکدام.

سوال ۲ – معنی لغوی قرآن؟

الف. جمع نمودن.
ب. قرائت کردن.
ج. خواندن.
د. همه جوابات بالا.

سوال ۳ – قرآن کتاب؟

الف. ساینسی است.
ب. نشانه ها است.
ج. ستاره شناسی.
د. همه جوابات بالا.

سوال ۴ – تهلیل یعنی چه؟

الف. گفتن صدق الله در ختم تلاوت.
ب. خواندن درود.
ج. گفتن لااله الا الله در آغاز یا پایان یازده سوره قرآن (۱. زلزال، ۲. قارعة ۳. عصر ۴. همزه ۵. فیل ۶. قریش ۷. ماعون ۸. کوثر ۹. لهب ۱۰. فلق ۱۱. ناس) و اجرأی آن بشکل: لاإِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَ اللهُ اَكْبَرُ وَ لِلّٰهِ الْحَمْدُ و سپس گفتن بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ.
د. هیچ یک از جوابات بالا.

سوال ۵ – طریقه ممنوع خواندن بسم الله قبل از هر سوره؟

الف. خواندن آن بصورت مستقل.
ب. وصل آن با سوره بعدی.
ج. *وصل آن صرف به آخر سوره ماقبل.*
د. همه جوابات بالا.

سوال ۶ – کوچکترین و بزرگترین واحد قرآن؟

الف. کلمه و جمله.
ب. قصه و سوره.
ج. آیه و سوره.
د. همه جوابات بالا.

سوال ۷ – تعداد آیات و سوره ها؟

الف. ۵۵۵۵ و۱۱۰.
ب. ۶۶۶۶ و ۱۱۴.
ج. ۷۷۷۷ و ۱۱۴.
د. هیچکدام.

سوال ۸ – دلایل نشانه گذاری در قرآن بشکل پاره، حزب و رکوع؟

الف. تزئین ورقهای قرآن.
ب. آسان ساختن تلاوت روزمره و تشویق خواننده.
ج. بی مفاد است.
د. هیچکدام.

سوال ۹ – ترتیب سوره ها در قرآن بواسطه کی صورت گرفته؟

الف. عثمان رض.
ب. پیامبر ص.
ج. جبرئیل ع.
د. هیچکدام.

سوال ۱۰ – معنی لغوی ترتیل؟

الف. آهسته خواندن و تفکر کردن در قرآن.
ب. سریع خواندن با حفظ وقف.
ج. بجا آوردن سجده در ختم تلاوت.
د. تلاوت به آواز بلند.

سوال ۱۱ – خدواند (ج) چه وسیله ایرا بخاطر حفظ قرآن از تغییر انتخاب نموده؟

الف. کتابجانه.
ب. آرشیف ها.
ج. نسخه های قرآن.
د. صدور (سینه های) حفاظ که سند آن به آنچه که بر آنحضرت (ص) نازل شده، میرسد.

سوال ۱۲ – ترتیب ادای سجده تلاوت؟

الف. ایستاده شدن و ذکر اسم خدا.
ب. نشستن و خواندن درود.
ج. بستن نیت در دل بدون بلند کردن دستها الی گوش و ادای یک سجده با سه تسبیح در اوقات خارج از نماز و انجام فوری یک سجده با سه تسبیح حین ادای نماز و از سر گرفتن نماز از جای قبلی.
د. همه جوابات بالا.

سوال ۱۳ – موضوعات موجود در قرآن به چند نوع است؟

الف. همگانی (توحید) و تاریخی – که شامل همه موضوعات باقیمانده میشود.
ب. گذشته و آینده.
ج. هردو جواب بالا.
د. هیچکدام.

سوال ۱۴ – قرآن به چند قرائت نازل شده؟

الف. ۱
ب. ۳
ج. ۵
د. ۷

سوال ۱۵ – کدام یک از بیانات ذیل در مورد قرآن، صدق میکند؟

الف. تحت سوال قرار دادن موضوعات قرآن با سوال کردن در مورد آن، با هم تفاوت دارند.
ب. قرآن کتاب بلند، است.
ج. قرآن کتاب هر عصر، است.
د. همه.

سوال ۱۶ – ارتباط سایس با قرآن؟

الف. باهم ارتباط ندارند.
ب. ساینس از قرآن سرچشمه میگیرد.
ج. ساینس با قرآن مساوی است.
د. هیچکدام.

سوال ۱۷ – ارتباط قرآن با زمان در چیست؟

الف. کم ارتباط دارد.
ب. هیچ ارتباط ندارد.
ج. میزان درک قرآن تابع زمان است.
د. همه جوابات بالا.

سوال ۱۸ – یکی از روش های درک حکمت خدا (ج)؟

الف. توجه به مد و فیشن است.
ب. توجه به رسانه های جمعی، است.
ج. توجه به ساینس به نیت دنیا خوری است.
د. توجه به خود شناختن است.

سوال ۱۹ – در مورد قرآن، چه مشابهتی، در گذشته و حالا دیده میشود؟

الف. در گذشته همه مردمان دوستدار قرآن بودند.
ب. فرق زیاد وجود ندارد: در گذشته نیز قرآن را مال مردم سابق تر از خود، میدانستند.
ج. همه.
د. نمیدانم.

سوال ۲۰ – حکمت خداوند؟

الف. همیشه باید قابل تشریح و قابل درک به همه باشد.
ب. ممکن نیست تا هرچیز قابل تشریح باشد.
ج. در مورد حکمت خداوند، هر نوع تبصره باعث خیر است.
د. همه جوابات بالا.

سوال ۲۱ – در مورد دانایی خدواند؟

الف. نباید در مورد تفکر، نمود.
ب. اقرار به دانا بودن خداوند، امر ضروری نیست.
ج. با تفکر در نفس خود و همه مخلوقات خدا، میتوان به میزان دانایی و حکمت های خدا، پی برد.
د. نمیدانم.

سوال ۲۲ – درک درست آیات قرآن بستگی به اندازه ی معلومات شخص، میکند؟

الف. بلی.
ب. نخیر.
ج. تا حدی موافق.
د. نمیدانم.

سوال ۲۳ – مصرف عمر؟

الف. بزرگترین دستآورد مصرف عمر، کسب شهرت است.
ب. با خدا بودن با ساینس در تضاد است.
ج. قابل پیمایش و اندازه گیری، نیست.
د. نعمت است.

سوال ۲۴ – تعداد روشهای تلاوت؟

الف. ۳
ب. ۲
ج. ۱
د. تحقیق، حَدْر و تدویر که بین تحقیق و حدر است.

۲- آداب تلاوت قرآن کریم

رسول گرامی (ص) میفرماید: برتری قرآن بر دیگر سخنان، مثل برتری خداوند بر مخلوقش است.
لذا، خواندن و گوش دادن آن با کتابهای دیگر تفاوت داشته، طوریکه برای خواننده و شنونده ی آن، آدابی در نظر گرفته شده، که در اینجا به آن اشاره میشود:

آداب تلاوت قرآن کریم	چرا؟
۱. عدم موجودیت موانع (داشتن غسل)	*نقل شده، که رسول خدا (ص) را هیچ امری از تلاوت قرآن مانع نمیشد، مگر جنابت.*
۲. داشتن وضو (تیمم)	*نظر به آیه ۷۹ سوره واقعه: قرآن را باید فقط با طهارت لمس کرد. - ولی تماس با گوشه ای صفحات قرآن کریم حین فراگیری آن مستثناست.*
۳. گفتن اعوذ بالله من الشیطان الرجیم - در شروع تلاوت	*نظر به آیه ۹۸ سوره نحل : پس چون قرآن می خوانی از شیطان مطرود به خدا پناه بجو.*
۴. وقف در آیات	*نقل شده، که رسول خدا (ص) در قرائت خود، آیه به آیه توقف میکرد.*
۵. توجه به ترتیل	*نظر به آیه ۴ سوره مزمل: و قرآن را با ترتیل (خواندن آهسته با فکر در معانی آیات آن) تلاوت کنید.*
۶. کنجکاو بودن در معانی آیات	*نظر به آیه ۲۹ سوره ص: کتابی مبارک را بر تو نازل کردیم، تا مردم در آیاتش اندیشه کنند و خردمندان از آن پند و عبرت گیرند.* *بر علاوه، نقل شده که: قرائتی که در آن اندیشه و تفکر نباشد، خیری در بر ندارد.*
۷. اجتناب از خندیدن و شوخی و مزاح و سایر امور مشابه – حین تلاوت قرآن	
۸. تداوم وتلاوت زیاد	*نظر به آیه ۲۰ سوره مزمل: تا میتوانید قرآن را تلاوت نمایید.*
۹. قرائت قرآن با صوت زیبا، نیکو و حزین	*نقل شده: قرآن را با صداهای خوش زینت دهید؛ زیرا هر چیزی زیبایی دارد و زیبایی قرآن، صدای زیبا و خوش است.*
۱۰. تلاوت نمودن با عاجزی و حضور قلب.	**توقیر: با خشوع و خضوع تلاوت نمودن.**
۱۱. مسواک زدن به دندان ها، استعمال عطر و خوشبویی	
۱۲. نشستن مؤدبانه و رو به قبله	
۱۳. شنیدن قرآن	*نظر به آیه ۲۰۴ سوره اعراف: هنگامی که قرآن خوانده میشود گوش فرا دهید و خاموش باشید تا شامل رحمت حق شوید.*
۱۴. قرآن کتاب هدایت به زنده گان	*زیرا اکثراً از قرآن، تنها برای استخاره، بدرقه مسافر، تلاوت بر سر قبور و غیره بهره میگیرند، در حالیکه هدف نزول قرآن عمیقتر و بلندتر - یعنی هدایت زندگان، میباشد.*

یادداشت: در مورد تلاوت ناقص، به ضمیمه ۶ مراجعه کنید.

سوالات مبحث اداب

سوال ۱ - چه چیز شخص را از تلاوت مانع[16] میشود؟

الف. موهای بلند.
ب. ناخن های رسیده.
ج. جنابت.
د. هیچکدام.

سوال ۲- استفاده از قرآن صرف محدود به؟

الف. مراسم فاتحه خوانیست.
ب. بدرقه مسافر.
ج. تلاوتت بر قبرها.
د. هدایت زنده گان.

[16] عادت ماهوار و خونزیزی بعد از زایمان، اجکیولیشن و دخول آلت مردانه به یکی از راهها، که سبب فرض شدن غسل میشوند.

۳- تجوید

تجوید[17] عبارت از تشریح حروف و مراعت نمودن وقف[18]، حین تلاوت قرآن کریم، است.

تجوید دو بخش دارد: نظری و عملی.

- تجوید نظری: قواعدیست[19] که از طرف علما، ساخته و وضع شده.
- تجوید عملی یا **هنر** تلاوت قرآن کریم: عبارت از تطبیق قواعد نظری و خواندن قرآن به لهجه روان عربی، است.

یادداشت: *در قسمت تجوید عملی، لازم است تا به تلاوت قرآن کریم بالای محصولات صوتی مثل کستها و صفحات انترنتی، گوشداده و آنرا تمرین نمود.*

علائم تجوید: سه نوع است.

- حرکات: *فتحه، ضمه، کسره، سکون و امثال آن.*
- احکام: مد- شد- وصل- اشباع- اماله- غنه- سکته- ادغام- اظهار- اخفا- اقلاب- حروف ناخوان و امثال آن.
- وقف: ***م*** *لازم-* ***لا*** *قبیح -* ***ج*** *جایز و امثال آن.*

در این نوشته، مفاهیم علم تجوید - در چهار فصل بصورت خلاصه مورد بحث قرار داده شده، که عبارتند از:

فصل اول - حروف (مخارج و حرکات)؛ و صفات حروف: صفات اصلی مثل جهر؛ و صفات عارضی مثل غنه.
فصل دوم - احکام حروف.
فصل سوم – وقف.
فصل چهارم – مد یا کش نمودن صدا.

۴. نیت:

میزان اجر و ثواب هر عمل مستقیماً متناسب به چگونگی نیت در انجام آن – مطابق به حدیث: انما الاعمال بالنیات؛ اساس اعمال بر نیت استوار است- میباشد. و در روایتی آمده: فراگرفتن علم در سه حالت: مخفی ساختن عیب خود، مغلوب ساختن دیگران، ویا ریا و بزرگ جلوه دادن خود به مردم - عامل خیر نیست.

---

[17] *تجوید در لغت به معنی نیکو ساختن و در اصطلاح عبارت از قواعدیست که به نیکو خواندن قرآن کریم لازم، اند، است.*

[18] *معادل علامات نقطه، کامه، نقطه کامه و امثال آن در زبانهای دیگر، است.*

[19] *مثل شناسایی حروف با مخارج و صفات آنها - به تنهایی یا در کنار همدیگر؛ محل وقف و وصل با توجه به نشانه گذاری‌ها و معنی آیات.*

سوالات مبحث تجوید

سوال ۱ - تجوید بمعنی؟

الف. تشریح حروف و حفظ وقف.
ب. قواعد ی نیکو خواندن قرآن.
ج. هردو.
د. هیچکدام.

سوال ۲ – علایم تجوید؟

الف. حرکات.
ب. وقف.
ج. احکام.
د. همه.

سوال ۳ – اندازه کسب خیر، بستگی به نیت دارد؟

الف. بلی.
ب. نخیر.
ج. نمیدانم.
د. هیچکدام.

فصل اول- حروف و صفات حروف

۱. حروف

که از یکجا ساختن آنها با هم – کلمات ساخته شده. هر صدا، در نوشتار با یک سمبول که حرف خوانده میشود، نمایش داده میشود.

زبان عربی دارای ۲۸ حرف[20] بوده – برای آموزش آن، آواز هر حرف را در ابتدا، بدقت باید شنید و بعداً آنرا همانگونه باید، بخاطر سپرد.

الف/همزه (ء)	ب - با	ت - تا	ث – ثا	ج - جیم	ح - حا	**خ – خا**[21]
د - دال	ذ- ذال	**ر - را**	ز – زا	س - سین	ش - شین	**ص – صاد**
ض - ضاد	**ط - طا**	**ظ - ظا**	ع – عین	**غ - غوین**	ف - فا	**ق – قاف**
ک - کاف	ل – لام	م - میم	ن – نون	و - واو	هـ - ها	ی – یا

[20] که موضوع علم تجوید، است.
طوریکه با شناخت صفات و مخارج حروف، امکان خواندن دقیق قرآن کریم میسر و از بوجود آمدن کمی و کاستی یا تغییر در معنای کلمات جلوگیری صورت میگیرد.

[21] *یکی از ۵ صفات لازم حروف (خ - ص - ض - ط - ظ - غ - ق) اِسْتِعْلاء (هنگام ادای آنها با پری و غلظت، دهان پر از صدا شده و زبان میل به کام پیدا میکند.) است.*

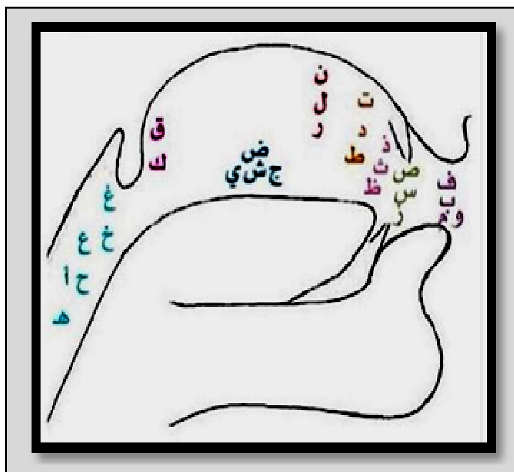
۱.۱. مخارج حروف

جای ایکه صدای یک حرف از آن، خارج میشود، مخرج (حلق، دهن، کام دندانها[22] و لبها) آن حرف مینامند. جهت دریافت مخرج حرف – آنرا با علامت سکون، ساکن ساخته و قبل از آن (الف) را با زر یا فتحه، اضافه نمود، مثل (م ← اَمْ)، که در اینصورت، مخرج میم را که لبها است، میتوان به آسانی دریافت نمود.

حروف نظربه اینکه از کجا منشه میگیرند به دسته ها ذیل تقسیم شده؛ که از ابتدای حلق به سوی دهان و لبها عبارتند از:

حروف:

۱. حَلْقی (همزه ـ هـ ـ ع ـ ح ـ غ ـ خ) – که از حلق ادا میشوند.
*۲. لَهَوی (ق ـ ك) ← **به کمک:** زبانچه یا کچکک و قاعده زبان؛*
۳. ضِرْسی (ض) ← دندانهای بالا با کنار زبان؛
۴. شَجْری (ج ـ ش ـ ی) ← وسط زبان و کام؛
۵. لِثَوی (ل ـ ن ـ ر) ← نوک زبان و پیش کام؛
۶. نِطْعی (ط ـ د ـ ت) ← نوک زبان، پیش کام، کنار زبان و دندانهای بالا؛
۷. اَسَلی (ص ـ س ـ ز) ← نوک زبان، پیش کام، کنار زبان و دندانهای بالا؛
۸. ذَوْلَقی (ظ ـ ذ ـ ث) ← نوک زبان و عقب دندانای ثنایایی بالا؛ و
۹. شفوی (ف ـ ب ـ م ـ و) ← بکمک لبها.



در شکل مقابل، موقعیت مخارج حروف نمایش داده شده:

***یادداشت: مُتَماثل-** یعنی دو حرف مشابه بهم مثل: حرف دال و سین.*

***مُتَجانس-** حروف ایکه یك مخرج، ولی صفات مختلف دارند مثل: (همزه ـ هـ) یا (ع ـ ح) یا (غ ـ خ).*

***متقارب-** حروفی ایکه مخارج یا صفات آنها نزدیك یکدیگر باشند مثل: (همزه ـ ع) و (ح ـ غ) و (د ـ ش) و غیره.*

---

[22] ***تصنیف دندانها:*** *۳۲ عدد که بصورت مساویانه بین بالا و پائین تقسیم شده و به چهار دسته، تقسیم میکنند:*
الف. *ثنایا – ۴ عدد که درعقب لبها قرار دارند.*
ب. *رباعیات – ۴ عدد که در راست و چپ دندانهای ثنایا.*
ج. *انیاب – ۴ عدد در دو طرف رباعیات، و*
د. *اظراس یا دنداهای آسیاب – ۲۰ عدد که بنوبه خود به ضواحک (۴ عدد) در دو طرف دندانهای انیاب، طواحن (۱۲ عدد) در دو طرف ضواحک و نواجذ یا عقل-دندان (۴ دانه) و بعد از طواحن قرار دارند.*
مطالعه و شناخت دندانها در تجوید از اهمیت خاص برخوردار است.

۱.۲. حرکات

الف. ساده:

۱. زر (فتحه: ـَ): طول آن به اندازه ی یک حرکت (که معادل آن، اندازه ی جریان صدا حین باز ساختن انگشتان دست که قبلاً بشکل مشت بسته شده)، است.

۲. زیر (کسره: ـِ): از نظر طول مشابه به فتحه، است.

۳. پیش (ضمه[23]: ـُ): از نظر طول مشابه به فتحه، است.

ب. دوچند (حرکات ممدوده[24]): مشابه به حرکات ساده ولی از نظر طول دوچند آن (دو حرکت)، میباشند. و علامه اشباع میباشد. عبارتند از:

۱. زر ایستاده « ـٰ » قایم مقام الف با یک زر عادی (اَ)؛

۲. زیر ایستاده - قایم مقام «ی»(اشاره: اشباع، صفحه ۲۶) - با زیر (یِ)؛

۳. و پیش سرچپه، قایم مقام واو با پیش (وُ)، است و

ج. جزم یا سکون – که حرف مربوطه را ساکن میسازد، مثل – حَقْ[25].

د. شدده « ـّ » - که حرف مربوطه را تشدید نموده، و علامت ادغام است. مثل اَبَّ. *(در این مثال، در حقیقت علامت سکون با زر یکجا شده و بعد از اختیار شدت، با یک حرف نوشته شده و با دو آواز خوانده میشود. اَبْ بَ = اَبَّ.)* [26]

ر. تنوین (ـًـٍـٌ) *(اشاره: تنوین، صفحه ۲۶)*: عبارت از نون آوردن در آخر حرف بوده – طوریکه حین تلفظ در نهایت به نون ساکن ختم میشود. (مثل اَبَدَاً← اَبَدَنْ).

یادداشت: تمرین با حرکات – را میتوان با متحرک ساختن جملات دری، نیز تمرین نمود.

---

[23] *در وقت ادا نمودن آن لب ها شکل دایره را بخود گرفته و به پیش متوجه میشوند. ولی کمتر از (واو) طوریکه با زیاد ساختن آن (واو) حاصل میشود، تلفظ میشود.*

[24] **اِشْباع-** یعنی مشبوع ساختن حرکت. طوریکه ضمّه به صورت «واو» و کسره به صورت «یاء» و در فتحه به صورت «الف» ادا میشود مانند: مَالُهُ ـ سَمْعِهِ به صورت مَالُهُو و سَمْعِهِی خوانده میشود.

[25] ***حروف قلقله*** *– (ق، ط، ب، ج، د) – بشدت و قطع صدا، تلفظ شده، طوریکه بشکل دو حرف شنیده میشوند - صدای دوم آن انعکاس صدای اولی، میباشد.*

[26] *یکبار با سکون خوانده شده و باری دیگر با حرکت خود خوانده میشود.*

سوالات مبحث حروف

سوال ۱ – کدام شش حرف الفبا دارای صفت استعلاء (پر تلفظ میشود طوریکه حین تلفظ آنها، دهن پر از هوا و صدا شده و زبان بطرف کام، تمایل مییابد)، میباشند؟

الف. (ح ـ خ ـ د ـ ذ ـ ظ ـ ش ـ ع)
ب. (خ ـ ص ـ ض ـ ط ـ ظ ـ غ ـ ق).
ج. هر دو.
د. هیچکدام.

سوال ۲- مخرج؟

الف. محل تلفظ حرف مثل زبان، حلق، دندانها و لبها.
ب. یک از روش های دریافت مخرج یک حرف، قراردادن حرف الف در ابتدای آن با فتحه، و ساکن نمودن خود حرف، حین تلفظ میباشد.
ج. هردو جواب بالا.
د. هیچکدام.

سوال ۳ – تمرین با حرکات؟

الف. مفاد ندارد.
ب. آزاد است و میتوان جهت تمرین، هر جمله ی دری را با حرکات مربوط، قابل تلفظ ساخت.
ج. صرف محدود به زبان عربیست.
د. همه.

سوال ۴ – قلقله؟

الف. تکان دادن حرف در مخرج اش حین تلفظ آن.
ب. حروف مد.
ج. بیصدا ساختن.
د. هیچکدام.

سوال ۵ – فرق بین تجوید نظری و عملی؟

الف. فرق ندارد.
ب. ازهم فرق بسیار زیاد دارند.
ج. هر دو جواب بالا.
د. هیچکدام.

سوال ۶ – شدده یعنی؟

الف. جمع نمودن دو حرف مشابه مثل دو دانه نون، و نوشتن آن بشکل یک حرف با شدده.
ب. نون آوردن به آخر کلمه.
ج. هردو جواب بالا.
د. هیچکدام.

سوال ۷ – تنوین یعنی؟

الف. ب آوردن در اخیر یک حرف.
ب. نون آوردن در اخیر صدای یک حرف.
ج. هردو جواب بالا.
د. هیچکدام.

سوال ۸ – اندازه حرکات ممدوده؟

الف. ۴ حرکت.
ب. ۳ حرکت.
ج. ۲ حرکت.
د. هیچکدام.

۲. صفات حروف

صفات حروف به دو قسم است:

۱. صفات اصلی –

که مهمترین بخش، در تلفظ یک حرف بوده و از آن جدایی ندارد. مثلاً جهر، شدّت، اِطباق، استعلاء، و اذلاق.

۲. صفات عارضی –

صرف برای حسن قرائت و زیبایی – در نظر گرفته میشوند. مثلاً قلقله، غُنّه.

الف. صفات اصلی حروف:

که مهمترین بخش، در تلفظ یک حرف بوده و از آن جدایی ندارد. و عبارتند از: جهر، هَمس؛ شدّت، رخوت؛ اِطباق، اِنفتاح؛ استعلاء، استفال؛ و اذلاق، اِصمات.

مروری بر صفات اصلی حروف بصورت مقایسوی (هر سطر جدول نشاندهنده صفات ضد یکدیگر بوده، که هیچگاه در یک حرف باهم جمع نمیشوند.)	
جَهْر- صفت حروفیست که با صدای بلند یکجا با مانع شدن جریان هوا، تلفظ میشوند. هجده حرف ذیل دارای این صفت، است: *(همزه ـ ب ـ ج ـ د ـ ذ ـ ر ـ ز ـ ض ـ ط ـ ظ ـ ع ـ غ ـ ق ـ ل ـ م ـ ن ـ و ـ ی).*	**هَمْس-** صفت حروفیست که با صدای خفیف بدون مانع شدن جریان هوا، تلفظ میشوند. هجده حرف ذیل دارای این صفت، است: *(ت ـ ث ـ ح ـ خ ـ س ـ ش ـ ص ـ ف ـ ك ـ هـ)*
شدّت- صفت حروفیست که با قوت یکجا با قطع شدن کلی صدا، تلفظ میشوند. هشت حرف دارای این صفت، میباشند: (همزه ـ ب ـ ت ـ ج ـ د ـ ط ـ ق ـ ك).	**رِخْوَت-** صفت حروفیست که با آسانی و بدون قطع شدن کلی صدا، تلفظ میشوند. حروف مذکور: (ث ـ ح ـ خ ـ ذ ـ ز ـ س ـ ش ـ ص ـ ض ـ غ ـ ف).
اِسْتِعْلاء- صفت حروفیست که با میل پیدا نمودن صدا و زبان به طرف بالا و کام، پر، تلفظ میشوند. هفت حرف دارای این صفت، میباشند: (خ ـ ص ـ ض ـ ط ـ ظ ـ غ ـ ق).	**اِسْتِفال-** صفت حروفیست که با میل پیدا نمودن صدا و زبان به طرف پائین، نازك، تلفظ میشوند. ۲۱ حروف دیگر، دارای این صفت، هستند.
اِطْباق- صفت حروفیست که با غلظت، تلفظ میشوند. هنگام ادای آنها یک قسمت از زبان جمع میشود، و قسمتی از کام بالا که مقابل آن قرار دارد، را میپوشاند. چهار حرف دارای این صفت بوده: (ص ـ ض ـ ط ـ ظ).	**اِنْفِتاح-** صفت حروفیست که این حروف به نازکی ادا میشوند. ۲۴ حروف دیگر، دارای این صفت، هستند.
اِذْلاق- صفت حروفیست که با تندی و سرعت اداء میشوند. شش حرف دارای این صفت بوده: *(ل ـ ن ـ ز ـ ف ـ ب ـ م).* *سه حرف اول (لِثوی) از کنار و تیزی سر زبان و سه حرف آخر (شفوی) از کنار لبها خارج میشوند.*	**اِصْمات-** صفت حروفیست که به سنگینی ادا کردن میشوند. ۲۲ حرف دیگر، دارای این صفت، هستند.

ب. صفات عارضی حروف:

صرف برای حسن قرائت و زیبایی – در نظر گرفته میشوند.

صفات عارضی برخلاف صفات اصلی نتنها با هم و بلکه با صفات اصلی نیز ضدیت ندارند.

این صفات عبارتند از: ۱. قلقله ۲. غُنّه ۳. بُحَّه ۴. سکون ۵. صفیر ۶. تفشّی ۷. اِنحراف ۸. تکریر ۹. اِستطاله ۱۰. لین ۱۱. خَرورَه ۱۲. نَبر ۱۳. نفخ و نَفث ۱۴. خفاء ۱۵. هاوی.

۱. قَلْقَلَه- بمعنی حرکت بوده، که از جمع شدن صفات جهر و شدت ساخته میشود.
پنج حرف (ب ـ ج ـ د ـ ط ـ ق)؛ دارای این صفت بوده. طوریکه در حال سکون، با تکان دادن در مخرج[27] خود، ظاهر ساخته میشوند.

۲. غُنَّه- یعنی انداختن صدا در بینی. حروف غُنَّوی عبارتند از: ۱. میم ساکن ۲. نون ساکن و ۳. تنوین - که در حال اخفاء یا ادغام از درون بینی ادا میشوند. در این حالت مخرج حروف مذکور از مخرج اصلی آنها تغییر نموده و در آن حرکت پیدا میشود. مثلاً: مِنْ دونهی. که ابتدا زبان به تلفظ نون بالای دندانهای پائین قرار داده شده، صدای آن به بینی انداخته شده، و الی انتقال آن به مخرج دال، به اندازه دو حرکت دوام، و در نهایت دال، تلفظ میشود.

۳. بُحَّة- صفت حرف «حاء» است، زیرا در وقت تلفظ آن، غلظت و فشردگی در حلق پیدا، و در غیر آن، «حاء» شبیه (هـ)، میشود. مثل: اَلْحَمْدُ ـ اَحَدٌ.

__۴. سُكُون -__ بمعنی ضد حرکت بوده. به غیر از حروف قلقله بقیه حروف الفبا را «حروف ساکنه» میگویند، زیرا هنگام ادای آنها سکون و آرامشی در مخرج حرف، بوجود آمده و به آسانی تلفظ میشوند.

__۵. صَفِیر-__ صفت حروف (ص ـ س ـ ز)[28] است. طوریکه صدای آنها از سر زبان و میان دندانهای ثنایای بالا و پائین، خارج میشود.

__۶. تَفَشّی-__ صفت حرف «شین» است. زیرا هنگام تلفظ آن، صوت از مخرج آن، در دهان انتشار پیدا میکند.

__۷. اِنْحِراف-__ حروف (لام ـ را) دارای این صفت میباشند. هنگام تلفظ «لام»، زبان از مخرج آن به طرف بیره و دندانها میل میکند و موقع ادای «راء» زبان اندکی به طرف درون کام بالا، منحرف میشود.

---

[27] *اگر حروف قلقله در میان کلمه باشند آنرا «قلقله صغری» و اگر در آخر کلمه باشد آنرا «قلقله کبری» میگویند. قلقله صغری مثل بابْ و قلقله کبری مثل حَجّ و صِراط میباشد.*

[28] *صفیر «صاد» شدیدتر از سین و زاء خفیفتر، میباشد.*

*۸. **تَکْرِیر**- یعنی لرزش قسمتی از سطح سر زبان. صفت حرف «راء»[29] است، زیرا هنگام ادای آن به نظر میرسد که دوبار گفته میشود، ولی در واقع اندکی لرزش در مخرج حرف بوجود میآید. در غیر آن، تلفظ آن، ناممکن میشود. مثل: اَکْبَرُ.*

*۹. **اِسْتِطَالَه**- صفت حرف «ضاد» است. طوریکه در حال سکون، صدای آن تا مخرج حرف «لام» کشیده، میشود - مانند: اَرْض - قَاضٍ.*

*۱۰. **مد لِین** (نرمی)– حروف لین ۲ (و، ی ساکن) بوده – هرگاه ماقبل آن، مفتوح باشد، با دهن باز و صدا کشدار، تلفظ میشوند. ولی، دقت شود که مشدّد نشوند. اندازه آن ۶-۲ حرکت، و کشیدن صدای آن کاملاً، اختیاریست. مثل – خَوْفٍ۝، مَوْتٌ۝، بَیْتٌ۝، کهیعص—›کاف‌ها یاعین صاد۝.*

*۱۱. **خَرْوَرَه**- حرف «خاء» دارای این صفت میباشد. زیرا هنگام تلفظ آن، صدایی مشابه به صدای کسی که گلو اش گرفته شده - شنیده میشود، مانند: اَخْ و خَالِق.*

*۱۲. **نَبْر**- به معنی بلند کردن صدا پس از پائین شدن آن است. حرف «همزه» دارای این صفت میباشد. که در حال حرکت با بلندی و شدت و در حال سکون به نازکی، ادامیشود. مثل: یشَاء - أَنْبَاء - أَنْبِئْهم.*

*۱۳. **نَفْخ، نَفْث**- دو حرف (ف - ث) دارای این صفت بوده، زیرا هنگام تلفظ آنها، هوا از مخارج ایشان بیرون میآید. مثل: أفْ، یلْهَثْ.*

*۱۴. **خَفَاء**- حرف (هـ) و حروف مد دارای این صفت بوده، هنگام ادای آن ابتدا شدّت موجود بوده که بعداً مخفی میگردد.*

*۱۵. **هَاوِی**- از حروف مد، صرف الف دارای این صفت است. بخاطریکه وسعت مخرج اش از حیث هوای صوت، بیشتر از مخارج واو و یاء، میباشد.*

---

[29] *قابل ذکر است که در حرف «زاء» نیز کمی تکریر وجود دارد، تکریر آن در پهنای زبان و تکریر راء در درازای زبان است. مانند: تَنَزَّلَ.*

متفرقات صفات عارضی

تَفْخِیم- یعنی درشت گفتن و برجسته ساختن. طوریکه حین ادای حرف، زبان به طرف کام بالا مثل استعلاء، متمایل میشود، مثلاً تفخیم «راء» مفتوح و مضموم، در کلمات، رَبّ و رُحَماء.

تغلیظ- یعنی برجسته و غلیظ تلفظ کردن حرف.

تفخیم با تغلیظ یکچیز هستند، ولی اصطلاحاً، تفخیم درحرف «راء» و تغلیظ در حرف «لام» بکار میرود مانند: تغلیظ لام جلاله «الله».

اِشْباع- یعنی مشبوع ساختن حرکت. طوریکه ضمّه به صورت «واو» و کسره به صورت «یاء» و در فتحه به صورت «الف» ادا میشود مانند: مَالُهُ ـ سَمْعِهِ به صورت مَالُهُو و سَمْعِهِی خوانده میشود.
بعضاً با علامت «صله» نمایش داده میشود. در غیر آن حرف، بحرکت اصلی خوانده میشود مثل: مِنْهُ.

***اِماله-** هرگاه الف پیش یا بعد از حرف یاء یا کسره، بیاید، به دو شکل اماله میشود:*

۱. اماله کوچک[30].

۲. اماله بزرگ: عبارت از میل دادن زیاد فتحه به طرف کسره، و یا الف به طرف یاء بوده ـ مثل: مَجْرَاهَا ← مَجْرِیهَا، *(سوره ۱۱ آیت ۴۱).* که در اینصورت، فتحه راء، به کسره ادا میشود و برای اینکه اماله شود، باید حرف مذکور کم ی بطرف یاء، ولی نه مکمل به آن، کشیده شود.

رَدْع- «کَلّا» (چنین نیست) کلمه، ردع است، و باید بر «کَلّا» وقف شود. که در اینصورت، جمله پیشتر از آن، رد و جمله ما بعد آن، تأئید میشود.

یادداشت: جهت معلومات مزید در مورد وقف، به ضمیمه ۳ مراجعه کنید.

[30] *اماله کوچک ـ بین فتحه و کسره یا بین الف و یاء تلفظ میشود مانند: اِنَّا ـ اِیاکَ ـ کِتَاب، که فتحه ما بعد کسره در هر سه کلمه مذکور اماله شده. که بنام ترقیق یا نازک خواندن الف نیز یاد میشود.*

سوالات مبحث صفات حروف

سوال ۱- صفات حروف به چند نوع است؟

الف. ۴
ب. ۳
ج. ۲
د. ۱

سوال ۲- جهر (تلفظ حرف به صدای بلند)، شدت (تلفظ حرف با قطع شدن کلی صدا)، استعلا (میل پیدا نمودن صدا و زبان به طرف بالا و کام، پر، با تلفظ پر)، اطباق (تلفظ با غلظت) و اذلاق (تلفظ با تندی و سرعت) عبارتند از؟

الف. صفات اصلی، که جز ماده یی حروف میباشند.
ب. صفات عارضی، جهت حسن قرائت وضع شده اند.
ج. هردو.
د. هیچکدام.

سوال ۳- هر حرف الفبا در یک زمان، دارای چند صفت اصلی است؟

الف. ۱
ب. ۳
ج. ۵
د. ۷

سوال ۴- غنه عبارت از؟

الف. انداختن هوا در بینی.
ب. انداختن صدا در بینی (با کشیدن آواز مشابه به آوازی چوچه-آهو).
ج. هر دو.
د. هیچکدام.

سوال ۵- بحه یعنی چه؟

الف. صفت حرف حاء، است.
ب. فشار و غلظت را حین تلفظ حرف حاء، بحه میگویند.
ج. هردو.
د. هیچکدام.

سوال ۶- تفخیم یعنی چه؟

الف. درشت و برجسته تلفظ نمودن حرف.
ب. تمایل زبان به طرف کام بالا.
ج. هردو.
د. هیچکدام.

سوال ۷- اشباع یعنی چه؟

الف. مشبوع ساختن صدای حرف.
ب. تلفظ ضمه بصورت واو و تلفظ کسره بصورت یاء، مثل سمعهِ – سمعهی.
ج. هر دو جواب بالا.
د. هیچکدام.

سوال ۸- اماله، یعنی چه؟

الف. میل دادن بسیار فتحه به طرف کسره و یا الف به طرف یاء.
ب. مثل مَجْرَاهَا ← مَجْرِيهَا (سوره ۱۱ آیت ۴۱)
ج. هردو جواب بالا.
د. هیچکدام.

سوال ۹- ردع، یعنی چه؟

الف. کلا (چنین نیست).
ب. برای رد نمودن مطلب قبل.
ج. بر آن باید توقف شود.
د. همه.

سوال ۱۰- اخفا، یعنی چه؟

الف. آواز نون ساکن، تنوین و میم ساکن قبل از باء ساکن را، به بینی انداختن.
ب. بلند تلفظ نمودن حروف صدادار.
ج. هردو جواب بالا.
د. هیچکدام.

یادداشت: به قلقله، غنه، اخفا، تفخیم، اشباع و بحه – باید حین تلاوت قرآن کریم، در قدم اول توجه خاص داشت.

فصل دوم: احکام حروف (تعامل حرکات با صفات حروف)

تبصره: در روان-خوانی قرآن، بیشتر آشنایی با احکام کمک کننده بوده، که ذیلاً از آن یادأوری، میشود.

۱. احکام نون ساکن[31] و تنوین

۱. اظهار (حلقی) بدون غنه	یعنی ظاهر ساختن. هرگاه تنوین یا نون ساکن قبل از حروف حلقی *(ء، ه، ح، خ، ع و غ)،* واقع شود- چه در يك یا دو کلمه باشند– بنسبت دوری مخارجشان – تنوین یا نون ساکنه – بشکل واضیح، تلفظ و اظهار *یعنی از مخرج خود بدون غُنه (به اندازه ۲ حرکت)،* میشوند[32].
۲. ادغام با غنه به اندازه دو حرکت	یعنی داخل کردن حرفی در حرف دیگر. هرگاه نون ساکن یا تنوین قبل از حروف ادغام (م، ی، و، ن، ل، ر) واقع شود، به حروف مذکور مدغم میشود. طوریکه زبان فقط يك مرتبه به ادای حرف اول برداشته شده در نهایت آثار از حرف مذکور باقی نمانده و حرف دوم بشکل يك حرف مشدّد[33] تلفظ میگردد.
۳. اقلاب یا ابدال با غنه به اندازه دو حرکت	هرگاه نون ساکن یا تنوین قبل از – باء- واقع شود، باء- آواز میم را بخود گرفته و با غنه ادا میشود. مثل: <u>من بعد ← مم بعد</u>.
۴. اخفا حلقی یا حقیقی با غُنّه خفیف	به استثنای حروف که در سه صفت بالا ذکر شد- متباقی، حروف اخفا[34] بوده با غُنّه خفیف ادا شده، که آواز مذکور بین ادغام و اظهار، قرار میگیرد.

یادداشت: ادغام و اخفا، با هم بسیار، مشابه هستند.

[31] *دارای حرکت نبوده، و در وسط و آخر کلمات مثل اسم، فعل و حرف واقع میشود مثل: كُنْتَ - مِنْ.*

[32] علامت آن (ن) است، *که در بعضی از نسخه های قرآن، در زیر نون ساکن و تنوین دیده میشود.*

[33] *علامت ادغام تشدید (ّ) است و فایده و منظور از ادغام تسهیل و روانی در خواندن، میباشد.*
<u>*یادداشت: ادغام - مَنْ راقٍ (آیه ۲۷ سوره قیامه) که سکته دارد، جایز نیست.*</u>
<u>*یادداشت: در (یسین والقرآن...، ن والقلم...) –نون یاسین و نون در آیت دوم، اخفا نه بلکه اظهار میشود.*</u>

[34] *طوریکه در اینحالت زبان به مخرج نون قرار داده نمیشود و باید صدا را اندکی کشید، تا اخفاء حاصل گردد، و ترک آن جایز نیست.*

بعضاً در یک کلمه یا دو کلمه، ولی بعد از تنوین همیشه در دو کلمه واقع شده مثل – يَنْصُرُكُمْ، شئٍ قدير، مَنْثُورَا که در مثال اخیر بیشتر به طرف غنه مایل شده، علامت اخفاء حرف «ف» یا يك نقطه است؛ *که در بعضی نسخه های قرآن بالای حرف اخفا، نوشته میشود.*

۲- احکام میم ساکن: سه بوده و عبارتند از: ۱. ادغام ۲. اخفای شفوی ۳. اظهار شفوی.

ادغام با غُنّه	هرگاه بعد از میم ساکن، میم دیگری واقع شود، چه در یك کلمه یا دو کلمه باشد، اولی در دومی ادغام میشود (ادغام مثلین) و با غُنّه ادا میگردند. مثل: لَمَّا - *عَلَيهِمْ مُؤْصَدَةٌ.*
اخفای شفوی با غُنّه	هرگاه میم ساکن، قبل از حرف «باء» قرار گیرد، اخفای آن با غُنّه صورت میگردد. ولی اظهار آن نیز جایز است مثل: وَ مَنْ يعْتَصِمْ بِالله -*قُلُوبكُمْ بِهِ.*
اظهار شفوی	هرگاه بعد از میم ساکن به استثنای دو حرف (میم و باء) یکی از ۲۶ حرف دیگر قرار گیرد، چه در یك یا دو کلمه باشند، میم ساکن اظهار[35] میشود، مثل: *اَلْحَمْدُ - اَنْعَمْتَ -* عَلَيهِمْ وَ لَا الضَّالّينَ.

۳. احکام الف

۳.۱- احکام الف از نظر تلفظ – بدونوع است:

ترقیق	هر گاه الف بعد از یکی از حروف مستفِله واقع شود باریک خوانده میشود. مثل: سَاءَ - مَالِكِ - اِياكَ.
تفخیم	هرگاه الف بعد از یکی از حروف مستعلیه واقع شود، پرخوانده میشود. مثل: خَالِص - صَالِح - اَرادَ.

۳.۲- احکام الف از نظر وظیفه - بر دو قسم است:

الف وصل	الف وصل بعضاً با صاد کوچك (صـ) نشان داده شده و دو حرف قبل و بعد خود را بهم وصل نموده ولی تلفظ نمیشود مثل: يا قَوْمِ ادْخُلُوا، ما اكْتَسَبَ. ولی در صورت قطع، با حرکت ماقبل، تلفظ میشود، مثل «اهدا»، در سوره فاتحه. *الف با علامت دایره کوچک – در خاتمه کلمه – خوانده نمیشود. (به ضمیمه ۵ مراجعه کنید.)*
الف	در ابتدا و یا در میان جمله باقی مانده و تلفظ میگردد، مثل: أَبْصِرْ بِهِ وَ أَسْمِعْ، وَ أَشْرِكْهُ فِي أَمْرِى.

[35] هرگاه بعد از میم ساکن (فاء یا واو) واقع شود اَشَدّ اظهار صورت میگیرد، زیرا هر سه از حروف شفوی هستند، و چنانچه میم ساکن کاملاً اظهار نشود از ادغام مصون نمیماند.

۵. احکام «هاء» –

۵.۱- هاء ضمیر: دو است:

اشباع	هر گاه ماقبل و مابعد «هاء» ضمیر، هر دو متحرك باشند، ضمّه و یا کسره آن در حال وصل، به صدای «واو» و «یاء» مثل: إِنَّهُ ← إِنَّهُو؛ و سَمْعِهِ ← سَمْعِهِی؛ با اشباع، تلفظ میشود. با حرکات ممدوده، نشانداده میشوند.
عدم اشباع	هر گاه ماقبل و مابعد «هاء» ضمیر، یک یا هر دو ساکن باشند، در حال وصل با همان حرکت ضمه یا کسره بصورت عادی، خوانده میشود. مثل: بِهِ الَّذِینَ - إِلَیهِ الْمَصِیرُ.

۵.۲- هاء اصلی

که قسمت از خود کلمه است، بدون اشباع، تلفظ میشود مثل: اَللهُ - اِلهُ.
صرف در کلمه «هذِهِ»، به «اشباع» خوانده میشود.

۵.۳- هاء سَکْت

«سَکْت» یعنی سکون.

«هاء» در آخر بعضی کلمات به جهت حفظ حرکت آخر آنها، متصل شده. که ضمیر نمیباشد و جزء خود کلمه هم نیست. و در حال وقف یا وصل همیشه ساکن است، و اشباع آن به علت سکون[36]، جایز نیست.

---

[36] *در هفت جای قرآن، هاء سکت، وجود دارد که تلفظ نمیشود. و برای اینکه با «هاء ضمیر» اشتباه نشود، با علامت سکون (ـْ) نشانی شده، وعبارتند از: لَمْ یَتَسَنَّهْ (سوره بقره ایه ۲۵۹) اقْتَدِهْ (سوره انعام آیه ۹۰) کِتابِیَهْ، حِسابِیَهْ، مالِیَهْ، سُلْطانِیَهْ (هر چهار کلمه در سوره اَلحّاقه قرار دارند)، مَاهِیَهْ (سوره قارعة آیه ۱۰).*

۶. احکام «راء» - دو حکم دارد: ۱. ترقیق:

۱	وقتی که «راء» مکسور باشد، یا راء ساکن و ماقبل آن مکسور باشد، یا راء و ماقبل ساکن و حرف ماقبل هر دو، مکسور باشد، ترقیق شده و باریک خوانده میشود. مثل: کَرِیم – مستقِیرْ - سِحْرْ.

۲. تفخیم:

۱	راء مفتوح یا مضموم، یا راء ساکن که ماقبل آن مفتوح یا مضموم، و یا راء ساکنی که ماقبل آن نیز ساکن و حرف پیش از این دو، مفتوح یا مضموم باشد، تفخیم شده و پرخوانده میشود، مثل: رَبِّ ـ مَرْیمْ - فَجْر.
۳	
۴	راء ساکن ایکه ماقبلش حرف مُستعلیه ساکن، و حرف ماقبل هر دو، مکسور باشد، مثل: مِصرْ.
۵	راء ساکن با ماقبل مکسور که برای متمایز شدن از کسره لازم، تفخیم میشود مثل: اِرْحَمْ ـ رَبِّ ارْجِعُونِ.
۶	راء ساکن با ماقبل مکسور که بعد از آن، یکی از حروف مستعلیه قرار میگیرد، تفخیم میشود. مانند: اِرْصَاد ـ مِرْصَاد ـ قِرْطَاس ـ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ. *لازم به ذکر است که تفخیم و ترقیق راء مشدّد، بیشتر تابع حرکت آن است، زیرا اولی ساکن و دومی متحرك است. مثل: اَلرَّسُولُ ـ اَلرِّبَا .*

۷. احکام لام

۷.۱- لام جَلاله در اسم خداوند (الله) ج: دو حکم دارد: ۱. ترقیق:

ترقیق	در صورتیکه ماقبل آن کسره باشد. مثل: بِاللهِ ـ بِسْمِ اللهِ.
تغلیظ	در صورتیکه ماقبل آن مفتوح یا مضموم باشد. مثل: اَللهُ ـ قَالَ اللهُ.

۷.۲- لام تعریف (ال):

یا لام تعریف[37]– که با اضافه نمودن آن به اسم عام به اسم خاص تبدیل میشود.

دارای دو حکم است –ادغام و اظهار.

ادغام	یعنی خوانده نشدن ال، در صورتیکه قبل از حروف شمسی[38] *(۱۴ حرف: ت، ث، د، ذ، ر، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ل، ن)* واقع شود مثل: الصبور، الثواب.
اظهار	یعنی گفتن ال، در صورتیکه قبل از حروف قمری واقع شود، مثل – مِنَ الّذِی.

۸. حروف ناخوان: (ا، ل، و، ی) در صورت نداشتن حرکت – خوانده نمیشوند.

[37] شباهت به (the) در زبان انگلیسی دارد.

[38] مثل غیر قابل مشاهده بودن ستاره ها هنگام روز به نسبت حضور آفتاب و عکس آن در جریان شب.

متفرقات احکام

۱. ادامه ادغام نون ساکن و تنوین

ادغام صغیر - که حرف اول ساکن و حرف مابعد آن متحرك باشد که در این صورت اولی را در دومی ادغام مینمایند.

ادغام صغیر به نوبه خود به سه نوع است:

*۱. ادغام حروف متماثل: هر گاه مخرج و صفات هر دو حرف یکی باشند، در یك یا دو کلمه، ادغام آنها **لازم** است مانند: قُلْ لَهُم - مِنْ نارهِ.*
*۲. ادغام حروف متجانس[39]: در یك یا دو کلمه، ادغام آنها **لازم** است، مثل: وَجَدْتُ - حَصَدْتُمْ.*
*۳. ادغام حروف متقارب[40]: چه در یك کلمه باشد یا در دو کلمه - ادغام آنها **جایز** است.*
مگر در مواردی که در اثر ادغام، تغییری در معنا یا فصاحت کلام، بوجود بیاید، مثل قَدْ جاءَ؛ ادغام اجرا نمیشود.

یادداشت: ادغام متجانسین و متقاربین در حروف حلقی و شفوی ناممکن است. مثل: عَنْهُمْ بخاطریکه همزه یا الف در هیچ حرفی ادغام نمیشود و هیچ حرفی در آنها ادغام نمیگردد.

[39] ***مُتَجانس-** حروف ایکه یك مخرج، ولی صفات مختلف دارند مثل: (همزه - هـ) یا (ع - ح) یا (غ - خ).*

[40] ***متقارب-** حروفی اند که مخارج یا صفات آنها نزدیك یکدیگر باشند مثل: (همزه - ع) و (ح - غ) و (د - ش) و غیره.*

سوالات مبحث احکام

سوال ۱- هرگاه نون-ساکن و تنوین قبل از حروف حلقی واقع شود؟

الف. اظهار میشوند.
ب. ادغام میشوند.
ج. هردو
د. هیچکدام

سوال ۲- ادغام که عبارت از داخل نمودن یک حرف به حرف دیگر بوده، و حرف مربوط به آن شش است **(ملیونر)**. در کدام حروف مذکور، بدون غنه انجام داده میشود؟

الف. م، ل.
ب. ل، ر.
ج. هردو
د. هیچکدام

سوال ۳- اقلاب یعنی تبدیل شدن نون ساکن و تنوین قبل از ب به؟

الف. لام.
ب. واو.
ج. میم.
د. هیچکدام.

سوال ۴- اخفا که طول آن به اندازه دو حرکت بوده و با غُنّه خفیف اجرا میشود، بمعنی؟

الف. ظاهر ساختن.
ب. مخفی ساختن.
ج. هردو.
د. هیچکدام.

سوال ۵- ادغام میم ساکن یعنی؟

الف. داخل ساختن میم ساکن در میم دومی با غنه.
ب. شدت در میم ساکن.
ج. هر دو.
د. هیچکدام.

سوال ۶- الف وصل تلفظ میشود؟

الف. بلی.
ب. نخیر.
ج. هر دو.
د. هیچکدام.

سوال ۷- الف قطع تلفظ میشود؟

الف. بلی.
ب. نخیر.
ج. هر دو.
د. هیچکدام.

سوال ۸- اشباع هاء، یعنی چه؟

الف. ضمّه و یا کسره آن در حال وصل، به صدای «واو» و «یاء» خوانده میشود.
ب. نخیر.
ج. هر دو.
د. هیچکدام.

سوال ۹- اشباع هاء سکت؟

الف. جواز دارد.
ب. جواز ندارد.
ج. هر دو.
د. هیچکدام.

سوال ۱۰- ترقیق راء، یعنی؟

الف. نازک تلفظ نمودن آن.
ب. حذف نمودن آن.
ج. هر دو.
د. هیچکدام.

سوال ۱۱- تغلیظ لام جلاله، یعنی؟

الف. پر تلفظ نمودن آن.
ب. حذف نمودن آن.
ج. هر دو.
د. هیچکدام.

سوال ۱۲- لام تعریف، چه وقت قابل تلفظ میباشد؟

الف. قبل از حروف شمسی.
ب. قبل از حروف قمری.
ج. هر دو.
د. هیچکدام.

سوال ۱۳- هرگاه (الف، لام، واو، یاء) بدون حرکت باشند؟

الف. تلفظ مشوند.
ب. تلفظ نمیشوند.
ج. هر دو.
د. هیچکدام.

فصل سوم – وقف

تبصره: بهتر است تا حین مطالعه ای این فصل به موضوع عدم جواز توقف یا اینکه در کجا نباید توقف نمود، توجه خاص داشت. که در این رابطه میتوان به وقف اضطراری، موجودیت علامت عدم جواز وقف با یا بدون علامت (لا) – و سکته (س)، اشاره نمود.

الف- وقف

وَقْف به معنی توقف و در تجوید، جدا ساختن یک کلمه از کلمه ما بعدش با توقف صدای کلمه اول، بوده؛ که ضد آنرا وصل مینامند و میان این دو، سَکته[41] قرار دارد.

بعضی ها بدین نظر اند که با توجه به محتوای آیه و علائم وقف – وقف را میتوان بدو گروپ عمومی تقسیم نمود: وقف ممنوع و وقف اختیاری.

اول – وقف ممنوع: زمانیکه آیت از نظر لفظ و معنا نامکمل و بستگی به ما بعد خود داشته باشد. مثل وقف بر الْحَمْدُ و شروع از لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ.

ولی اگر در صورت تنگی نفس، عطسه و سرفه ، آیت به ناچار قطع شود، دوباره خواندن آیه، از جائیکه مناسب است، ضروریست.

وقف ممنوع، بعضاً با علامت «لا» یا «صل» یا «صق» نمایش داده میشود.

دوم – وقف اختیاری: که بنوبه خود به سه نوع است: وقف تامّ، وقف کافی و وقف حَسَن.

۱. وقف تامّ: عکس وقف ممنوع است: زمانیکه آیت از نظر لفظ و معنا مکمل و بستگی به مابعد خود نداشته[42] باشد. وقف بر آن ترجیح دارد.

به علامت «ط» نمایش داده شده؛ مثلاً: وقف بر مالِكِ يوْمِ الدِّينِ، و شروع از إياكَ نَعْبُدُ وَ إياكَ نَسْتَعِينُ.

---

[41] تفاوت بین این سه طوریست که هنگام وقف، صوت و نفس هر دو قطع میشود؛ و نفس تازه میگردد. وصل عکس وقف بوده طوریکه در آن صوت ونفس قطع نشده، و نفس تازه نمیگردد. در حالیکه در سکته پس از قطع صدا، مابعد آن را بدون تازه کردن نفس میخوانند.

[42] بیشتر در پایان آیات و انتهای قصص (داستانهای قرآن) و پیش از یاء نداء و فعل امر واقع میشود.

۲ . وقف کافی: *وقف بر آن ممکن است ولی وصل به مابعد، ترجیح داده میشود.*

بعضاً به علامت «ک» نشانداده شده، مثلاً رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمیعُ الْعَلِیمُ (سوره بقره آیه ۱۲۷).

۳ . وقف حَسَن: *وقف بر آن ممکن است ولی وصل به مابعد، ترجیح داده میشود.*

در صورت وقف بر آن، اعاده و دوباره خواندن قسمتی از آیه، قبل از توقف، ضرور نیست.

بعضاً به علامت «ق-جه» نمایش داده شده، مثلاً: وقف بر اَلْحَمْدُلِلّهِ و شروع از رَبِّ الْعَالَمینَ.

یادداشت: علاوه بر وقف های بالا، یک تعداد علامت دیگری برای بیان وقف، نیز وضع شده، که به آنها، در ذیل اشاره میشود.

ب. علائم وقف

از آنجائیکه رعایت موارد وقف و وصل مهمترین بخش علم قرائت و تجوید است، بناً در زمینه - نشانه‌هائی وضع و تعیین و که در بالای کلمات قرآنی، نوشته شده اند. این علامات در دو دسته، ذیلاً مطالعه میشوند:

۱. علامات متأخرین[43] که عبارتند از:

علامه	توضیح وقف
م	لازم - وقف بر آن کلمه لازم است. (و دوباره خواندن ماقبل آن، جایز نیست.)
ج	جایز - وقف بر آن کلمه جایز است. (و وصل به مابعد نیز مانعی ندارد.)
ز	مجوّز - وقف بر آن کلمه تجویز شده. (ولی وصل کردن آن بهتر است. در صورت وقف، بهتر است از جای مناسب آیه مذکور، دوباره خوانده شود.)
ص	مرخّص – وقف بر آن کلمه جواز دارد. (در حالت عادی، بوصل خوانده شده، ولی در صورتیکه آیه طولانی باشد به بنسبت کمی نفس در صورتیکه معنای آیه نیکو فهمیده شود، وقف انجام داده شده، در غیر آن باید دوباره از جای مناسب آیه خوانده شده، اعاده نمود.

[43] *علامات سجاوندی توسط عبدالله سجاوند از قاریان اهل سنت.*

ج- موارد خاص عدم توقف:

در قرآن مجید در هفده مورد (و قولی دیگر، در نوزده مورد)، نباید وقف نمود، زیرا با درنظرداشت موضوع آیات مذکور، توقف قصدی بر آن سبب کفران خواهد شد. که آنها عبارتند از :

۱. آیه ۱۰ سوره بقره: وقف بر (فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ) و شروع از فَزادَهُمُ اللَّهُ مَرَضاً.

۲. آیه ۲۶ سوره بقره: وقف بر (إِنَّ اللَّهَ لا یسْتَحْیی) و شروع أَنْ یضْرِبَ مَثَلاً ما بَعُوضَةً فَما فَوْقَها.

۳. آیه ۵۵ سوره بقره: وقف بر (وَ إِذْ قُلْتُمْ یا مُوسی لَنْ نُؤْمِنَ لَکَ) و شروع از حَتَّی نَرَی اللَّهَ جَهْرَةً.

۴ و ۵. آیات ۱۱۶ سوره بقره و ۶۸ سوره یونس: وقف بر (وَ قالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَداً) و شروع از سُبْحانَهُ.

۶. آیه ۱۶۳ سوره بقره: وقف بر (لا إِلهَ) و شروع از إِلاَّ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِیمُ.

۷. آیه ۱۸۱ سوره آل عمران: وقف بر (لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِینَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِیرٌ) و شروع از وَ نَحْنُ أَغْنِیاءُ.

۸. آیه ۳۱ سوره مائده: وقف بر (فَبَعَثَ اللَّهُ غُراباً) و شروع از یبْحَثُ فِی الْأَرْضِ لِیرِیهُ کَیفَ یوارِی سَوْأَةَ أَخِیهِ.

۹. آیه ۶۴ سوره مائده: وقف بر (وَ قالَتِ الْیهُودُ) و شروع از یدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ.

۱۰. آیه ۷۲ سوره مائده: وقف بر (لَقَدْ کَفَرَ الَّذِینَ قالُوا) و شروع از إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِیحُ ابْنُ مَرْیمَ.

۱۱. آیه ۷۳ سوره مائده: وقف بر (لَقَدْ کَفَرَ الَّذِینَ قالُوا) و شروع از إِنَّ اللَّهَ ثالِثُ ثَلاثَةٍ.

۱۲. آیه ۸۴ سوره مائده: وقف بر (وَ ما لَنا) و شروع از نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ ما جاءَنا مِنَ الْحَقِّ.

۱۳. آیه ۱۱۲ سوره مائده: وقف بر (إِذْ قالَ الْحَوارِیونَ یا عِیسَی ابْنَ مَرْیمَ هَلْ یسْتَطِیعُ رَبُّکَ) و شروع از أَنْ ینَزِّلَ عَلَینا مائِدَةً مِنَ السَّماءِ.

۱۴. آیه ۷۷ سوره انعام: وقف بر (فَلَمَّا رَأَی الْقَمَرَ بازِغاً) و شروع از قالَ هذا رَبِّی هذا أَکْبَرُ.

۱۵. آیه ۷۸ سوره انعام: وقف بر (فَلَمَّا رَأَی الشَّمْسَ بازِغَةً) و شروع از قالَ هذا رَبِّی هذا أَکْبَرُ.

۱۶. آیه ۳۰ سوره توبه: وقف بر (وَ قالَتِ الْیهُودُ) و شروع از عُزَیرٌ ابْنُ اللَّهِ و وقف بر (وَ قالَتِ النَّصاری) و شروع از الْمَسِیحُ ابْنُ اللَّهِ.

۱۷. آیه ۴۳ سوره رعد: وقف بر (وَ یقُولُ الَّذِینَ کَفَرُوا) و شروع از لَسْتَ مُرْسَلاً.

۱۸. آیه ۲۲ سوره فجر: وقف بر (وَ جاءَ رَبُّکَ) و شروع از وَ الْمَلَکُ صَفًّا صَفًّا.

۱۹. آیه ۴ و ۵ سوره ماعون: وقف بر (فَوَیلٌ لِلْمُصَلِّینَ) و شروع از الَّذِینَ هُمْ عَنْ صَلاتِهِمْ ساهُونَ.

اینگونه وقف، سبب ایجاد تغییر در معنی آیات، میشود.

د- بیان متفرقات وقف

۱. وقف با حرکت- وقف به حرکت جایز نیست.

طوریست که صدا بدون ساکن ساختن حرکت حرف آخر، قطع شود مثلاً در- مالِكِ يوْمِ الدِّينِ، خواندن - الدِّينِ - با حرکت کسره «ن».

۲. حَذف- حذف (همزه) در آخر کلمه‌ایکه بر آن وقف میشود، مثلاً: سَوْء ـ شَيئ ـ شاءَ ـ یشاءُ ـ بَرِیءٌ ← سوْ ـ شی ـ شَا ـ یشا ـ بَرِی.

۳. اسکان- به معنی ساکن ساختن، حرف متحرك آخر کلمه است. مثل - مِنْ قَبْلِكَ، که هنگام وقف، فتحه کاف حذف شده و کاف ساکن میشود. هَادٍ ← هَادْ.

۴. اِبدال- عبارت از تبدیل نمودن (ت) به (هـ)[44] مثلاً: صلوة ← صلاه؛ و تبدیل نمودن کلمات منصوب به الف که به هنگام وقف، تنوین آن در نظر گرفته نشده و صرف به الف عادی، تبدیل میشود مثلاً: [45] مثلاً: - رَحيماً ← رَحِيما، ُ مسَمّى ← مسما.

یادداشت: جهت معلومات مزید در مورد وقف، به ضمیمه ۲ مراجعه کنید.

---

[44] مثلاً: زکوة ← زکاه ـ مَرَّة ← مره؛ که در حال وقف به جای تاء (ة) هاء (ه) تلفظ میشود.

البته در کلمات: تَورية و تُقية و امثال آن، بعضی آن را با ابدال و برخی بدون ابدال میخوانند. در حالیکه تاء مبسوطه (یعنی کشیده) به همان تاء وقف می‌گردند. مثلاً جَنّاتٌ ← جنَّاتْ.

سوالات مبحث وقف

سوال ۱ – فرق بین وقف، سکته؟

الف. در تازه نمودن نفس یا عدم آن است.
ب. هیچ فرق ندارند.
ج. هردو جواب بالا.
د. هیچکدام

سوال ۲ – انواع وقف؟

الف. تام.
ب. کافی و حسن.
ج. ممنوع.
د. همه.

سوال ۳ – در وقف ممنوع؟

الف. لفظ و معنا نامکمل است.
ب. اعاده لازم است.
ج. هردو جواب بالا.
د. هیچکدام.

سوال ۴ – در آیه ۱۰ سوره عمران وقف نمودن بعد از (مرضُنْ)؟

الف. جواز دارد.
ب. ممنوع است.
ج. هردو جواب بالا.
د. هیچکدام.

سوال ۵ – لا یعنی عدم جواز وقف با وقف ممنوع، چه ارتباط دارد؟

الف. هیچ فرق ندارند.
ب. مشابه هستند.
ج. هردو جواب بالا.
د. هیچکدام.

سوال ۶ – در مورد وضع علایم وقف؟

الف. جهت سهل ساختن خوانش قرآن کریم به کسانیکه تسلط به زبان عربی قرآنی، ندارند.
ب. علایم وقف معادل نقطه، کامه، نقطه-کامه، و امثال آن در زبانهای دیگر است.
ج. هردو.
د. هیچکدام.

سوال ۷ – علامات س و م عبارتند از؟

الف. وقف لازم.
ب. سکته (قطع صدا، با خواندن مابعد آن را بدون تازه کردن نفس) و وقف لازم.
ج. هردو جواب بالا.
د. هیچکدام.

سوال ۸ – وقف با حرکت مثلاً در- مالِكِ يوْمِ الدِّينِ، خواندن - الدِّينِ - با حرکت کسره «ن» حین وقف؟

الف. جایز است.
ب. ممنوع است.
ج. هردو جواب بالا.
د. هیچکدام.

سوال ۹ – حذف یعنی؟

الف. حذف همزه در آخر یک کلمه که بر آن وقف میشود. مثلاً: شَيئ ← شی.
ب. نون آوردن در اخیر یک حرف.
ج. هردو جواب بالا.
د. هیچکدام.

سوال ۱۰ – اسکان یعنی؟

الف. ب آوردن در اخیر یک حرف.
ب. ساکن ساختن حرف متحرک در آخر کلمه حین وقف، مثل - مِنْ قَبْلِكَ، که هنگام وقف، فتحه کاف حذف شده و کاف ساکن میشود.
ج. هردو جواب بالا.
د. هیچکدام.

سوال ۱۱ – ابدال یعنی؟

الف. تبدیل نمودن ب به چ.
ب. تبدیل نمودن (ة) به (ه)، و تبدیل نمودن الف با تنوین به فتحه یا الف.
ج. هردو جواب بالا.
د. هیچکدام.

فصل چهارم - مد

مد به معنی کشیدن و در اصطلاح تجوید، عبارت از طولانی ساختن صدای سه حرف الفبا یعنی (ا، و، ی) که حروف مد[46] نامیده میشوند، در صورت موجودیت سبب مد به تعقیب آن، حین تلاوت، است.

سبب مد – الف یا همزه (ء) متحرک، و سکون *(به نسبت وقف و یا موجودیت علامت شدده)* بوده؛

مقدار مد را میتوان با درنظرداشت تعداد فتحه (یا حرکت) بصورت دقیقتر[47]، محاسبه نمود.

مد به دو نوع تقسیم میشود: کوتاه و طویل.

الف - مد کوتاه: که بعد از حرف مد – سبب مد، موجود نیست و صرف به اندازه ۲ حرکت کشیده خوانده میشود مثل– قالُوْا، قَالَ، سِيْقَ.

ب - مد طویل: که بعد از حرف مد - سبب مد موجود است؛ و به اندازه بیشتر از ۲ حرکت کشیده خوانده شده، و به دو گروپ ذیل تقسیم میشود:

۱. هرگاه سبب مد، همزه یا الف متحرک، باشد:

- **مد متصل** – در صورتیکه هردو در یک کلمه – باشند؛ حرف مد، به اندازه ۶ حرکت کشیده خوانده میشود مثل – سُوْءَ، جَآءَ، جِيْءَ؛ (رعایت آن واجب است.)
- ***منفصل*** *– در صورتیکه در دو کلمه، باشند – طوریکه حرف مد درآخر یک کلمه و سبب آن در شروع کلمه بعدی باشد؛ حرف مد، به شکل مد کوتاه به اندازه ۲ حرکت و یا زیادتر از آن الی ۶ حرکت، به شکل اختیاری خوانده میشود مثل – هُوَ الَّذِيْ اَرْسَلَ، مَآ اَنْزَلْنَا، فِيْٓ اَنْفُسِكُمْ؛*

[46] *ضد مد را قصر و وسط این دو را توسط، میگویند.*

[47] *از ۶-۲ حرکت: مد قصر ۲، فوق قصر ۳ حرکت، توسط ۴ حرکت، فوق توسط ۵ حرکت و طویل ۶ حرکت. اندازه ایکه در ابتدا به طول مد، انتخاب میشود، به آن در طول تلاوت تواتر صورت میگیرد مثلاً هرگاه در ابتدا ۴ انتخاب شود، الی اخیر با همان ۴ ادامه داده میشود.*

۲. هرگاه سبب مد، شدده یا سکون باشد:

- **لازم** – که بدونوع است:

  - لازم باطن: شدده بعد از حرف مد، در داخل آیت آمده باشد، مثل دآبَّه، ولاالضـآلّين، مُدْهَآمَّتَنِ.
  - لازم ظاهر: در تلفظ حروف مقطعات[48].

مد لازم به اندازه ۶ حرکت کشیده، خوانده میشود.

- ***عارضی***– *سکون بعد از حرف مد به سبب وقف یا علامت ختم آیت – که در اینصورت، حروف مد، به شکل مد کوتاه به اندازه ۲ حرکت و یا زیادتر از آن الی ۶ حرکت، خوانده میشود. مثل: الرحیم۞ .*

یادداشت: *و مد لین*[49] *(نرم).*

---

[48] *حروف مقطعات: ۲۹ سورة با یک تا چند حرف الفبا افتتاح میشود – که به روایتی خلاصه آن سوره است. مجموعه این حروف را حروف مقطعات میگویند و طوری که نوشته شده اند با نامبردن نام آن حرف به حرف، خوانده میشوند – در صورت علامت زر ممدوده ٖ یا بدون کدام حرکت به اندازه ۲ حرکت - و در صورت داشتن مد به اندازه الی ۶ حرکت کشیده میشوند مثل – الم: الف ۲ لام ۶ میم ۶ حرکت.*

[49] حروف لین ۲ (و، ی *ساکن با ماقبل مفتوح که به نرمی تلفظ میشود*) بوده – و هنگام ادای دو حرف مذکور باید دهان را باز کرد تا فتحه ماقبل آنها واضح ظاهر شود، ولی باید دقت شود که مشدّد نگردد. مثل: علیهم.

و به اندازه ۶-۲ حرکت کشیده میشود.

سوالات مبحث مد

سوال ۱- مد چیست؟

الف. کشیدن و طولانی ادا نمودن صدای حرف مد.
ب. کوتاه ادا نمودن.
ج. هردو.
د. هیچکدام.

سوال ۲ – مد در عدم موجودیت سبب آن (سکون یا همزه)؟

الف. ممکن است.
ب. ممکن نیست.
ج. نمیدانم.
د. هیچکدام.

سوال ۳ – انواع مد؟

الف. کوتاه (بدون سبب مد، ۲ حرکت).
ب. طویل: متصل (هرگاه حرف مد و همزه در یک کلمه باشند - (بیشتر از ۲ حرکت)) و منفصل (۶-۲ حرکت).
ج. لازم قبل از شدده (۶-۲ حرکت).
د. عارضی قبل از علامت ختم آیه (۶-۲ حرکت).

سوال ۴ – مد عارضی با مد لین؟

الف. ارتباط دارد.
ب. ارتباط ندارد.
ج. هردو در سکون و ختم آیات، مطرح است.
د. هیچکدام.

سوال ۵ – حروف مقطعات؟

الف. کلمات خاص.
ب. حروف الفبا در شروع چند سوره.
ج. هردو جواب بالا.
د. هیچکدام.

مآخذ:

۱ . قرآن کریم.
۲ . ریاض الصالحین ـ احادیث آنحضرت «ص».
۳ . قرآن شناسی – نوتها و مقالات تجوید.
۴ . ساینس و طبابت.
۵ . انکدوت.
۶ . نظر مؤلف.

ضمیمه ۱ – توجه به سگنالهای عضویت: یا مفاهمه - تداوی کلیدی فشارهای روانی دوامدار (مثل اخبار منفی).

مراحل	شکایات (اعراض)	جواب جسم (عضویت)	تشخیص	تداوی
۱-	اولین علامت استرس یا فشار دوامدار - خستگی و تشنج عضله در نواحی مختلف جسم - بوده	و بشکل درد در سر، گردن کمر و شانه (اسکلیت اکسیپل) تظاهر میکند.	مسئله، نسبتاً جدی نبوده؛	و با استراحت، مساژ، آببازی، سپورت غنی از حرکات و هواخوری – قابل اصلاح، است.
۲-	با دوام یا افزایش میزان استرس سیستم عصب خودکار متأثر شده – که خود سبب بدخلقی، بد حافظه-گی، تکان قلب و درد مثل دردهای بطنی، میشود.	در این مرحله عضویت بیشتر به امراض مکروبی مستعد شده علاوتاً شکایات دیگر ای خستگی مزمن: مثل دردهای شدید، ناآرامی داخلی، و تغییرات بد در خلق و مزاج– که مدت دوام آن نظر به بنیه شخص، متحول است، ایجاد میشود.	وضع تشخیص یک مرض مشخص – خلاف توقع شخص، در بسیاری موارد، ناممکن است. ولی بجاست تا در این مرحله عوامل اصلی ردیابی شده و اصلاح شوند. در غیر آن بحران-انرژی بشکل فقدان ویتامین، منرال و کالوری، تبارز نموده که سبب آن - کاهش در ذخایر انرژی عضویت بنابر ۱- اخذ ناکافی انرژی بنابر بی اشتهایی، خراب شدن عادات غذایی با خوردن غذاهای بی کیفیت، میل به اخذ تحریک کننده مثل نوشابه های بی کیفیت و گازدار، خراب شدن هضم غذا مثل جویدن ناکافی و خراب شدن پروسه هضم و جذب، و ۲- بلند رفتن میزان مصرف انرژی جهت مقابله با حوادث ناخواسته ای تازه که قبلاً ذکر شد– میباشد.	علاوه بر اقدامات ایکه در تداوی مرحله اول ذکر شد، اغذ غذایی با کیفیت بشکل کافی و یا حتی اضافی، بسیار ضروریست. (زیرا دراین مرحله اولاً عضویت به انرژی بیشتر به نسبت مجادله با حوادث ناخواسته ایکه از آن نام برده شد، ضرورت داشته، و ثانیاً اغذ انرژی کافی، در بهبود حالت شخص و داخل نشدن وی به صفحه بعدی، بسیار کمک کننده میباشد.)

۳-	تخرشیت و عصبانیت و حس انزوا طلبی در ابتدا از رفقا و بعداً فامیل و نزدیکان و بالآخره همکاران، بوجود آمده – که با بدخلقی شدید، احساس غم-اندو و تأسف، یکجا میباشد.	توان مقابله با شکایات فزیکی شدیداً کاهش یافته – و رفتار منطقی ضعیف میشود مثل قطع علاقه با فعالیت های مفید مثل ورزش و امثال آن، به نسبت احساس نداشتن وقت و انرژی.	اشتیاق به تداوی، کم شده، و دلسردی به نسبت عدم بوجود آمدن بهبود صایقوی – نزد شخص، مشهود است.	توجه خاص به رژیم غذایی (با حذف اغذیه بیکیفیت) و شیوه زنده-گی بیمار با تمام امکانات دستداشته ی طبی و طب-روانی.
۴-	سقوط و عدم کفایه واقعی در عضویت بوقع پیوسته – که بشکل دیپریشن و سایر امراض مزمن جسمی که نظربه استعداد مریض به امراض مختلف با درنظر داشت سابقه امراض فامیلی نزد وی، متحول است و در کل به استعداد جنیتک خلاصه میشود، ایجاد میشود.	افراز نامناسب کورتیزول و سایر هارمونهای غده ادرینال، اختلال جواب سیستم عصبی و معافیتی به مقابل استرس – سبب امراض جسمی مثل امراض قلبی وعایی، شکر و امثال آن نظربه تفاوتهای جنیتک نزد فرد – میشود.	موجودیت امراض مزمن و جدی نزد شخص.	تغییرات واقعی مارفولوژیک و فزیولوژیک در دماغ ایجاد شده که ایجاب ماهها تداوی و توجه - جهت اعاده وظیفه نارمل دماغ: پروسس نارمل تهدید حیات و خطر به بقا، را میکند.

یادداشت: خود شخص – در همه مراحل بالا، کوچکترین توجه و سؤظن ای در مورد اصل مشکل که استرس و فشارهای روانی دوامدار، است - به علل متحول[50]، نداشته و صرف با گرفتن ادویه ضد درد، خواب آور و غیره – که باعث خاموش شدن مؤقتی شکایات اش حین مصرف ادویه مذکور[51] میشود، اکتفا نموده، ولی در دراز مدت خود و نزدیکان خودرا به تباهی ممکنه، مواجه ساخته میتواند.

یادداشت: عدم احتیاط در برکار بستن مثبت - همه مهارت های تحلیلی[52] ایکه از منابع مختلف مثل رسانه ها کسب میشود، میتواند تا شخص را از خود بیگانه ساخته و نهایتاً به چالش های فزیکی یا روانی مواجه سازد.

یادداشت: یافته های جدید در علم طبابت (مثل شناسایی ستم سل یا حجرات مادری در دماغ و قلب علاوه بر سایر انساج)، دلالت به قابلیت های فوق العاده عضویت در ترمیم و اصلاح، داشته و ادعا میشود که به استثنأی امراض مکروبی و واقعاتیکه ایجاب مداخله جراحی را میکند، اغلب تشوشات دیگر توسط جسم خود شخص، در صورت رعایت شرایط خاص **«سه پایه»:** ۱. استفاده ی به اندازه از غذاهای با کیفیت و طبیعی و آب، ۲. داشتن فعالیت فزیکی/ ورزش و ۳. تمرکز بر رژیم فکری سالم با توجه در انتخاب منابع معلوماتی صرف مثبت ، قابل وقایه و تداویست.

---

[50] *مثل ضعیف بودن سیگنالهای واصله نسبت به خود استرس، یا بلندتر بودن صدای اعراض در جلب توجه و عدم توجه به آینده های دورتر - به نسبت مهم به نظرآمدن و توجه به شکایات حالا و اکنون.*

[51] *مثل ادامه دادن به راننده گی - بعد از قطع عمدی لاین اندیکیتور یا اشاره ایکه برنگ سرخ روشن شده و نشاندهنده خطر ناشی از عوارض جدی ماشین میباشد.*

[52] *طوریکه اغلب از عضویت صرف بمثابه ای وسیله ی نقلیه به انتقال سر یا دماغ، استفاده شده و با داشتن توجه ی اندک به خود – ناخودآگاه به تحلیل شخصیتها و حوادث حتی نامربوط به زنده گی شخصی فرد، پرداخته میشود. و در صورت مواجه شدن به مشکلات جسمی و روانی، حتی به غلط امید کمک از بیرون و دیگران در سر پرورانده شده – ناخبر از اینکه اصل کمک در خود فرد نهفته – که آنرا جهت برقراری توازن طبیعی به طرق مناسب باید صرف کشف ودوباره بکار بست.*

سوالات مبحث فشار های روانی

سوال ۱ – فشار روانی؟

الف. سبب مرگ تدریجی است.
ب. باعث سرطان – به نسبت تغییر مرضی در جینها که اساس ساختمان بدن است، میشود.
ج. هردو جواب بالا.
د. هیچکدام.

سوال ۲ – فشار های روانی میتواند از سبب؟

الف. استفاده از منبع معلوماتی ناسالم، بوجود بیاید.
ب. کمبود منابع در حل مشکلات، بوجود میآید.
ج. ارتباط با صحت و سلامتی ندارد.
د. الف و ب.

سوال ۳ – اخبار منفی؟

الف. نمک زنده گی است.
ب. بشکل غذای خراب که در معده قابل هضم نیست، در دماغ پروسس نشده، در طولانی مدت، سبب امراض، میشود.
ج. ناآگاهی از اخبار، بی تفاوتی را نشان میدهد.
د. هیچکدام.

سوال ۴ – انتخاب منابع معلوماتی مثبت؟

الف. مهم است.
ب. بالای هرکس میتوان اعتماد کرد.
ج. هردو جواب بالا.
د. هیچکدام.

ضمیمه ۲ – ادامه ی متفرقات وقف

۵. وَصل با سُکون- *پس از وقف، کلمه‌ای که بر آن وقف شده بدون تازه کردن نفس، به کلمه بعد وصل شود. مثل: اللَّهُ الصَّمَدُ.*

۶. وقف مُعَانَقَه - عبارت از مراقبت، به وقف نکردن بالای دو وقف ایکه پهلوی یکدیگر قرار میگیرند، و از نظر معنا باهم مرتبط هستند، میباشد. چه در يك آیه یا دو آیه و یا در دو کلمه باشند در صورتیکه در کلمه اول وقف میشود، دوم آن به وصل خوانده میشود. و همچنین به عکس.

در این گونه موارد با توجه به معنای آیه، معلوم میشود که وقف در کدام يك بهتر و مناسبتر است.
علامت این وقف «مَعَ یا مَعَاً یا سه نقطه به رنگ سرخ» است که، بالای کلمات قرآن گذاشته میشود.

وقف‌های معانقه در قرآن فراوان است بگونه مثال: ۱. آیه دوم سوره بقره: لا رَيبَ فِيهِ هُدىً لِلْمُتَّقِينَ؛ ۲. آیه ۱۹۵ سوره بقره: وَ لا تُلْقُوا بِأَيدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.

۷. وقف غُفران: *که بقول آنحضرت«ص» ـ هر گاه بر آن وقف شود، موجب مغفرت و آمرزش خواننده شده، وقف غفران در ده جای قرآن کریم آمده که عبارتند از:*
۱. آیه ۵۱ سوره مائده در کلمه (أَوْلِياء) ۲. آیه ۳۶ سوره انعام در کلمه (يسْمَعُونَ) ۳. آیه ۱۸ سوره سجده در کلمه (يسْتَوُنَ) ۴. آیه ۱۸ سوره سجده در کلمه (فَاسِقاً) ۵. آیه ۱۲ سوره یس در کلمه (آثَارَهُمْ) ۶. آیه ۳۰ سوره یس در کلمه (عَلَى الْعِبَادِ) ۷. آیه ۵۲ سوره یس در کلمه (مِنْ مَرْقَدِنَا) ۸. آیه ۶۱ سوره یس در کلمه (أَنِ اعْبُدُونی) ۹. آیه ۸۱ سوره یس در کلمه (أَنْ يخْلُقَ مِثْلَهُمْ) ۱۰. آیه ۱۹ سوره مُلك در کلمه (يقْبِضْنَ).

۸. اِشمام- *اشاره کردن به حرکت حرف آخر کلمه با لبها بدون صوت است. مثلاً پس از وقف با اسکان، بدون آنکه در تلفظ اثری از حرکت حرف آخر ظاهر گردد، بلافاصله لبها به یکدیگر منضّم شده، و اشاره به حرکت موقوفٌ علیها میشود مثل فیکوُنُ.*

۹. وقف نَبی: *آنحضرت «ص» در بسیاری از آیات قرآن مجید بگونه مثال آیه ۱۴۸ سوره بقره: فَاسْتَبِقُوا الْخَيراتِ، وقف مینمود، که موارد مذکور را با علامت وَقْفُ النَّبِی، نشانی میکنند.*

۱۰. وقف مُنْزَل- *حضرت جبرئیل«ع» هنگام تلقین آیات قرآن کریم بر آنحضرت ـ صلّی الله علیه و آله ـ در بعضی موارد وقف نموده که آنرا با وقف مُنزَل یا وقف جبرئیل نشانی نموده اند. و مشهورترین آنها هشت محل در قرآن (آیه ۱۲۰ و۲۷۴ سوره بقره، ۲. آیه ۷ و ۹۵ آل عمران، ۳۶ و ۱۲۴ سوره انعام، وسط آیه ۱۸۷ سوره اعراف و آخر آیه ۵۱ سوزه یس) میباشد.*

۱۱. اختِلاس- *که درآن کلمه با صوت و صدای ضعیف و پنهان ادا شده و در اختلاف قرائات بکار میرود. مانند نِعِمّا که در اصل «نِعْمَ ما» است، که میم اول ساکن بوده و در میم دوم ادغام شده و با اختلاس خوانده میشود.*

۲. *علامات مقدمین*[53] *که عبارتند از:*

قِف	*وقف مطلق.*
س	علامت سکته است.
قِفَهْ	*وقف مساوی به دو سکته.*
ق	*وقف به قول ضعیف جایز، ولی وصل آن، بهتر میباشد.*
قِلا	*وقف بر آن، بهتر است.*
صِل	*عدم جواز وقف.*
صَلی	*وقف مجوز.*
صِق	علامت وصل به ماقبل است، یعنی از آنجا شروع نشود بلکه مانند (لا) به ماقبل وصل گردد، و غالباً در وقف‌های معانقه بکار میرود.
صِب	نشانه وصل به مابعد است، برخلاف (صق) و غالباً در وقف‌های معانقه نوشته میشود.
جِه	*وقف مرخص.*
مُقرّاً	*در بعضی قرآنهای قدیمی روی برخی آیات نوشته شده، که به معنی اقرار به مضمون و آیه است.*
ع	*ختم رکوع.*

یادداشت: در بعضی از نسخه های قرآن هردو دسته علامت باهم دیده میشوند، مثل: (ط، قف) - (لا، صل) - (ز، صلی).

یادداشت: جهت دریافت معلومات دقیقتر در مورد نوعیت علایم وقف، به بخش بیان آن در صفحات اخیر قرآن کریم، مراجعه میشود. زیرا امکان موجودیت تفاوت اندک در بعضی از نسخه ها، موجود است. مثلاً ک –در نسخه عراق، علامت وقف جاری، بوده، که حکم وقف سابق را نشان میدهد؛ یا قف – علامت وقف مستحب، که وصل آن نیز مجاز است.

[53] *علامات شیخ مُصدّر بخاری – در بعضی قرآنهای قدیمی نوشته شده.*

ضمیمه ۳ – *ادامه ی متفرقات صفات عارضی*

صِلِه میمی- *در اختلاف قرائات بکار میرود طوریکه هرگاه ماقبل میم جمع، مضموم و مابعدش متحرك باشد در حال وصل، حرف «واو» و اگر ماقبلش مکسور باشد، حرف «یاء» به آن متصل میشود مثل: عَلَيكُم و عَلَيهِمْ که بصورت عَلَيكُمُو و عَلَيهِمِی خوانده میشوند.*

حفص راوی عاصم، فقط در کلماتی که بعد از میم جمع، «هاء ضمیر» باشد صله داده یعنی با اشباع خوانده است مانند: أَسْقَينَاكُمُهُ ـ قَدَّمْتُمُهُ ـ سَمِعْتُمُهُ ـ رَأَيتُمُهُ که بصورت أَسْقَينَاكُمُوهُ ـ قَدَّمْتُمُوهُ ـ سَمِعْتُمُوهُ ـ رَأَيتُمُوهُ خوانده است و در رسم الخط نیز با «واو» نوشته شده است.

تَسْهِيل- *به سهولت ادا کردن الف و همزه بوده. تسهيلِ الف همان ترقيق و اماله صغری یعنی (عدم اشباع فتحه ماقبل الف) میباشد. تسهیل در اختلاف قرائات بکار میرود.*

تَحْدِير- *عبارت از سرعت در قرائت و ادراج (یعنی داخل کردن کلمه در کلمه مابعد) با تخفیف و تسهیل همزه و ادغام کبیره و اختلاس و قصر مد منفصل، است.*

بَينِيه- *عبارت ازصفت حروف (ن ـ و ـ ر ـ ع ـ ل ـ م ـ ی) بوده که میان شدت و رخوت ادا شده، طوریکه نه چندان با شدت تلفظ می‌شوند که صدا بکلی قطع گردد، و نه چنان با سستی گفته میشوند که مانند حروف رخوت محتاج کشش زیاد باشند.*

ضمیمه ۴– کلید سوالات

شماره سوال	تمرین: صفحه ۸	صفحه ۱۳	صفحه ۱۵	صفحه ۲۰	صفحه ۲۶	صفحه ۳۳	صفحه ۴۰	صفحه ۴۴	صفحه ۴۸
۱	ب	الف	ب	ج	الف	الف	الف	ج	ج
۲	د	د	ج	الف	ب	د	الف	د	د
۳	ب	الف	ب	ج	ج	ج	همه	ب	ب
۴	ج		الف	ج	ب	ب	ب	الف	الف
۵	ج		الف	ج	الف	ب	ج		
۶	ج		الف	ج	ب	ج			
۷	ب		ب	ج	الف	ج			
۸	ب		ج	ج	الف	ب			
۹	د - خدا (ج)			د	ب	الف			
۱۰	الف			الف	الف	ب			
۱۱	د				الف	ب			
۱۲	ج				ب				
۱۳	الف				ب				
۱۴	د								
۱۵	د								
۱۶	ب								
۱۷	ج								
۱۸	د								
۱۹	ب								
۲۰	ب								
۲۱	ج								
۲۲	الف								
۲۳	د								
۲۴	الف و د.								

ضمیمه ۵ – حروفیکه موافق به رسم الخط قرآن کریم - به یک شکل نوشته و بشکل دیگر خوانده میشوند:

شماره	طرز نوشتن	طرز خواندن	نام سوره	شماره	نوشته شده	خوانده شود	نام سوره
۱	اَنَا	اَنَ	در چندین جا	۱۲	لَنْ نَّدْعُوَاْ	لَنْ نَّدْعُوَ	الکهف
۲	يَبْصُطُ	يَبْسُطُ	البقره	۱۳	لِشَاْیْءٍ	لِشَیْءٍ	الکهف
۳	اَفَاْئِنْ	اَفَئِنْ	ال عمران	۱۴	لٰکِنَّاْ	لٰکِنَّ	الکهف
۴	لَاْاِلَی اللهِ	لَاِلَی اللهِ	الانبیاء	۱۵	لَاْاَذْبَحَنَّهُ	لَاَذْبَحَنَّهُ	النمل
۵	تَبُوْءَاْ	تَبُوْءَ	المائده	۱۶	لَاْاِلَی الْجَحِيْمِ	لَاِلَی الْجَحِيْمِ	الصافات
۶	بَصْطَةً	بَسْطَةً	الاعراف	۱۷	لِنَبْلُوَاْ	لِنَبْلُوَ	محمــد
۷	مَلَاْئِه	مَلَئِه	الاعراف	۱۸	نَبْلُوَاْ	نَبْلُوَ	محمــد
۸	لَاْاَوْضَعُوْا	لَاَوْضَعُوْا	التوبه	۱۹	لَاْاَنْتُمْ	لَاَنْتُمْ	الحشر
۹	ثَمُوْدَاْ	ثَمُوْدَ	هود	۲۰	سَلَاسِلَاْ	سَلَاسِلَ	الدهر
۱۰	لِيَرْبُوَاْ	لِيَرْبُوَ	الروم	۲۱	قَوَارِيْرَاْ	قَوَارِيْرَ	الدهر
۱۱	لِتَتْلُوَاْ	لِتَتْلُوَ	الرعد	۲۲	مَلَاْئِهِمْ	مَلَئِهِمْ	يونس

ضمیمه ۶ – حین تلاوت به نواقص ذیل و جلوگیری از آن در خواندن قرآن کریم توجه شود:

نواقص تلاوت	
تعجیل: به حدی تیز خواندن که حروف، جداجدا فهمیده نشوند.	حرام/ ممنوع.
تهمیز: علاوه نمودن همزه به هر حرف.	حرام.
تطویل: کشاندن بیش از حد مد و حرکات.	مکروه/ ناپسند.
همهمه: مخفف ساختن مشدد و مشدد ساختن مخفف.	حرام.
زمزمه: خواندن به شکل آهنگ. که هرگاه بدون رعایت تجوید باشد، حرام است.	مکروه تحریمی.
عنعنه: علاوه نمودن صدای عین به الف حین ادا نمودن آن.	حرام.
رکزه: ادغام نمودن بیموقع.	حرام.
تعویق: در بین کلمه وقف نمودن و تلاوت را از جای پیشتر شروع نمودن.	حرام.
وثبه: حرف اول را ناتمام گذاشته و از حروف بعدی شروع نمودن.	حرام/ممنوع.

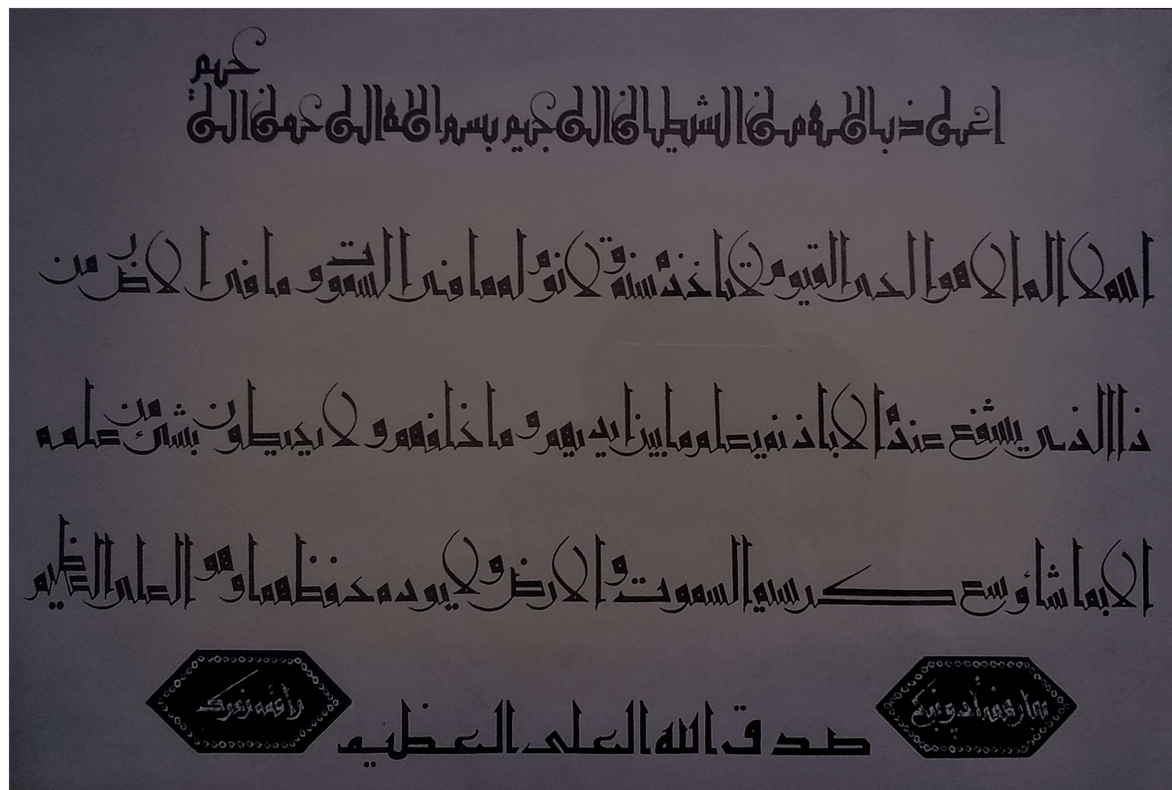
ضمیمه ۷ – نمونه ای از تطبیقات عملی در تلاوت قرآن:

الف: مد طبیعی یا قصر. **الف** در **لام:** مـد لازم.
ی در **میم:** مد لازم وعارضی.

مد لین. | مد متصل واجب. | مدعارضی. | مد منفصل.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	به نام خداوند رحمتگر مهربان
الـــمٓ ﴿١﴾	الف لام میم (۱)
ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ ﴿٢﴾	این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقواپیشگان است (۲)
الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣﴾	آنان که به غیب ایمان می آورند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند (۳)
وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾	و آنان که بدانچه به سوی تو فرود آمده و به آنچه پیش از تو نازل شده است ایمان می آورند و آنانند که به آخرت یقین دارند (۴)
أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾	آنان برخوردار از هدایتی از سوی پروردگار خویشند و آنان همان رستگارانند (۵)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	به نام خداوند رحمتگر مهربان
سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾	آنچه در آسمانها و زمین است خدا را به پاکی می ستایند و اوست ارجمند حکیم (۱)
لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢﴾	فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست زنده می کند و می میراند و او بر هر چیزی تواناست (۲)
هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣﴾	اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی داناست (۳)
هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤﴾	اوست آن کس که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید آنگاه بر عرش استیلا یافت آنچه در زمین درآید و آنچه از آن برآید و آنچه در آن بالارود [همه را] می داند و هر کجا باشید او با شماست و خدا به هر چه می کنید بیناست (۴)
لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّـهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٥﴾	فرمانروایی [مطلق] آسمانها و زمین از آن اوست و [جمله] کارها به سوی خدا بازگردانیده می شود (۵)
يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٦﴾	شب را در روز درمی آورد و روز را [نیز] در شب درمی آورد و او به راز دلها داناست (۶)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	به نام خداوند رحمتگر مهربان
وَالْعَصْرِ ﴿١﴾	سوگند به عصر [غلبه حق بر باطل] (۱)
إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾	که واقعا انسان دستخوش زیان است (۲)
إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾	مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده اند (۳)

بالای حروف ارغوانی رنگ – غنه میشود: صدای نون یا میم را به اندازه الف طولانی ساختن. **ادغام:** یکجا ساختن دو حرف به واسطه علامت شد. **بالای حروف نیلی، قلقله میشود:** حرف را در مخرجش تکان دادن. **بالای حروف سبز، تفخیم میشود:** با دهن پر خواندن. **بالای حروف نارنجی – اخفا میشود:** مخفی ساختن حرف ماقبل در مابعد آن. **بالای حروف سرخ رنگ – مد میشود:** کشیدن صدای حرف (نظر به نوعیت مد).



(از آثاری خطی مؤلف)